

## هشدار!

(... دعوای ما دعوی نیست که برای خدا باشد)

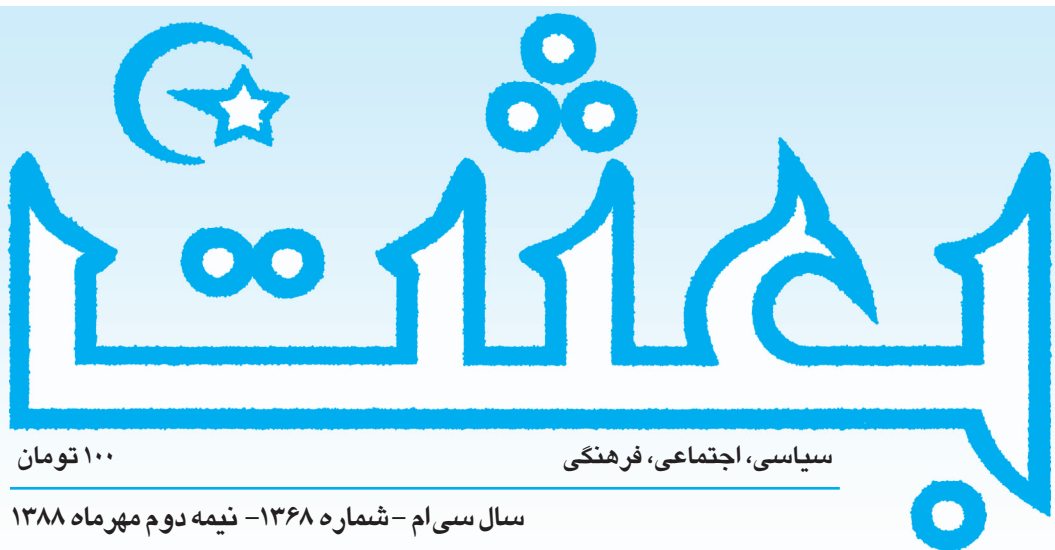
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...

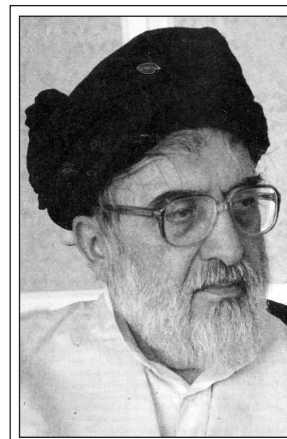
امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



۱۰۰ تومان

سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

سال سی ام - شماره ۱۳۶۸ - نیمه دوم مهرماه ۱۳۸۸



مصاحبه خبرگزاری کتاب با استاد

خسروشاهی:

کتاب اسناد سید

جمال الدین

اسدآبادی در وزارت

خارجه ایران؛ ثمره ۲۵

سال تلاش و تحقیق

صفحه ۱۲

## هشدار آیت الله موسوی اردبیلی

در خصوص هجمه به نظام مرجعیت و فقاقت

صفحه ۲

آیت الله مقتدایی:

نهج البلاغه در حوزه و کشور مهجور مانده است

صفحه ۳

ریس بنیاد بین المللی نهج البلاغه:

طلاب طلایه دار ترویج نهج البلاغه در جهان باشند

صفحه ۳

مداحی اهل بیت (ع) را به ثناگویی قدرت

و فحاشی سیاسی آلوده اند

صفحه ۳

معرفی کتب و نشریات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

صفحه ۵

آسیب شناسی نگاه امروزین به تقریب مذاهب

صفحه ۵



آیت الله محمد علی تسخیری:

امام صادق (ع)

داعیه دار وحدت

امت اسلامی در

تمام دورانها است

صفحه ۴

اندوهیادی از ماموستا

## شهید دکتر شیخ الاسلام کردستانی

مفتی برجسته شافعی دبیر شورای افتا کردستان منتخب اول مردم استان در مجلس خبرگان رهبری و عضو شورای عالی مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی نسبش به مانند همه سادات حسینی منطقه کردستان ایران و عراق به سید محمد زاهد مشهور به "پیر خضر" از احفاد امام موسی کاظم (ع) می رسید و مادرش از سادات حسینی عراق بود و خود بارها در حواشی آن گفتگو با فخر و مباهات از نسب و ساداتش سخن راند. شیخ الاسلام علاوه بر درک محضر علمی پدر از مجلس درس و بحث ملا باقر مدرس بالک ملا عبدالکریم مدرس مشهور اربیل و دیگر علمای برجسته کرکوک مریوان موصل و سایر شهرهای عراق بهره برد و سپس بیش از پنجاه سال به امر تدریس و تبلیغ آموزه های وحدت آفرین دینی در غرب ایران مشغول شد. دکتر علاوه بر عضویت در هیات علمی دانشگاه مذاهب اسلامی و دانشگاه آزاد اسلامی عهده دار امامت جماعت مسجد سید قطب سندج نیز بود.

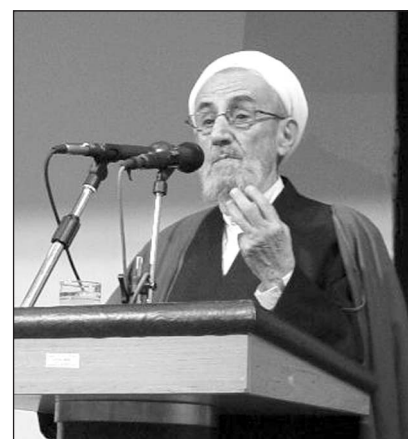
ادامه در صفحه ۶

را به ادامه این راه تازه در پیش گرفته امیدوارتر کرد. در دومین منزل جناب رمزی گرمو اسقف اعظم کلیسای آشوری کلدانی و کاتولیک در کلیسای حضرت یوسف (ع) تهران پذیرای ما شد تا رهاورد آن نشست با خاطره "بازگشت مسیح" (مندرج در شماره ۵۱) در دل نشریه معارف به یادگار ماند. حسن اتفاق "سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی" هم از نیمه خود گذشته بود. فرصت باقی مانده ما را بر آن داشت تا در این راستا سلسله نشست های خود را جهت دهیم و این بار به بازکاوی درون دینی مبحث مهدویت بپردازیم؛ و چنین بود که شماره ۵۲ معارف با موضوع بازخوانی "مهدویت از دیدگاه اهل سنت" به گفتگو با مفتی شافعی و منادی وحدت اسلامی عالم مجاهد شهید ماموستا دکتر ملا سید محمد شیخ الاسلام کردستانی اختصاص یافت که با عنوان "موعود از نسل فاطمه (س) است" به چاپ رسید.

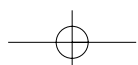
از بدو ورود تا ختم گفتگو تکیه کلامش "وحدت" و "پرهیز از تفرقه" بود. دکتر ملا سید محمد شیخ الاسلام کردستانی (کثرالله امثاله)

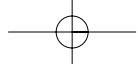
شدیم که با "بشر وجه" (۱) ما را در آغوش کشید. چه میزبان مهربان و شایسته ای!

پاییز ۱۳۸۶ به خلاف آمد روزگار برای ما فصل یک رویش بود! رویش اندیشه ای تازه و دراندازی طرحی نو در ماهنامه معارف (ویژه اساتید معارف اسلامی دانشگاه ها). به عشق مولای غائب از نظر و با الهام از این شعر نغز و پر مغز مولوی: "خوشتر آن باشد که سردلبران گفته آید در حدیث دیگران" این بار گفتگوهای "بر ساحل سخن" مان با لحنی دیگر در گلستان سبزاسبز مهدوی جوانه زد و در هوای دلپذیر انتظار شکفت. "یا علی گفتیم" و طرح سلسله نشست های بررسی "موعودگرایی در ادیان آسمانی و دیگر مذاهب اسلامی" با شرکت بزرگان و نمایندگان رسمی اقلیت های دینی و مذهبی کشور آغاز شد. "ماشیح: منجی موعود یهود" (مندرج در شماره ۵۰ معارف) اولین ثمره این جنبش پاییزی بود که در گفتگو با دکتر یونس حمای لاله زار رئیس اسبق انجمن کلیمیان ایران به بار نشست. استقبال خوانندگان فرهیخته نشریه از آن گفتگوی صمیمانه و البته عالمانه ما



پس از چند تماس و گفتگوی تلفنی بنده از قم با ماموستا در سندج از آنجا که هم راضی به عزیمت ما تا کردستان نبود و هم خیال مرکز را داشت قرارمان در تهران گذاشته شد. یکی از واپسین روزهای پاییز آذر ۱۳۸۶ در ساختمان "شورای عالی مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی" واقع در خیابان طالقانی تهران منتظر ما بود. راس ساعت مقرر به همراه فاضل ارجمند حجت الاسلام علی محمدپور و دو تن دیگر از همکاران برای برگزاری نشست به حضور رسیدیم. با عالمی گشاده رو خلیق مبادی آداب و بر خلاف تصور به زی و حتی شمایل علمای امامیه مواجه





## هشدار آیت الله موسوی اردبیلی در خصوص هجومه به نظام مرجعیت و فقاقت



شناخته شده خود نمی ترسیم از بهائی ها از وهابی ها از سلفی ها و امثال آنها هراسی نداریم؛ همیشه در تاریخ این دشمنان بوده اند. ما از این می ترسیم که خدای ناکرده افرادی از جمع خودمان ناآگاهانه تیشه به ریشه ما بزنند.

گفت: «اینها هم خطراتی است که مدتی است متوجه دین و روحانیت شده است مبادا شما از آن غفلت کنید و فقط نظرتان را متوجه گوشه ای از مشکلات کنید».

ایشان در ادامه افزود: «هر چیزی که بر خلاف مصالح اسلام و انقلاب گفته شود از جانب هرکس باشد مردود است. ممکن است افراد ناآگاهی را تحریک کنند که نسنجیده حرف بزنند؛ بدانید اینها جز نقشه های دشمن است. چرا مدتی است به مرجعیت جسارت می شود چرا وقتی یک مرجع سخنی می گوید یک فرد بی اطلاع و تازه کار را می آورند تا در برابر او سخن بگوید».

حضرت آیت الله موسوی اردبیلی گفت: «شما در صحبت قهائیان گفتید دین در خطر است؛ من هم این مساله را قبول دارم ولی باید همه جوانب موضوع را دید. هرکس توان و قدرتی دارد باید به کمک اسلام برخیزد. ما از دشمنان

همگان نسبت به خطراتی که متوجه دین شده است و با اشاره به سخنان دبیر کل حزب موتلفه اسلامی گفت: «این که شما گفتید فرازی از حقیقت است ولی به بخش های دیگر اشاره نکردید یا لازم ندیدید و یا از آن غفلت کردید».

ایشان افزود: «متأسفانه مدتی است احساس می کنیم به روحانیت هجومه می شود به اسلام هجومه می شود و این هجومه تنها از طرف یک گروه نیست بلکه از طرف گروه های مختلف صورت می پذیرد. وقتی در رابطه با موضوعی مرجع تقلیدی هشدار می دهد بعضی ها بجای توجه به این هشدار می گویند فلانی کیست که هشدار بدهد! اگر این رویه ادامه پیدا کند بعد از آن خطاب به دیگر مراجع نیز تسری پیدا می کند و سپس نظام مرجعیت و فقاقت مورد هجوم واقع خواهد شد».

این مرجع دینی با تأکید بر هشیاری حاضران

آیت الله موسوی اردبیلی از مراجع عظام تقلید بر لزوم هشیاری همگان نسبت به خطراتی که متوجه دین شده تأکید نموده و در خصوص هجومه به نظام مرجعیت و فقاقت هشدار داد.

آیت الله موسوی اردبیلی در دیدار دبیر کل و اعضای شورای مرکزی حزب موتلفه اسلامی در قم با ایشان به نامه تاریخی سید جمال الدین اسدآبادی به میرزای شیرازی اشاره کرده و گفت: «در این نامه هشدارهایی وجود دارد که علاوه بر این که حکایت از تیزی سید جمال دارد نکات مهمی را به ما گوشزد می کند که توجه به آن برای جامعه در زمان کنونی نیز کارساز است. ایشان افزود: «یکی از نکاتی که در نامه سید جمال مورد تذکر واقع شده غفلت مسلمانان نسبت به خطراتی است که جامعه اسلامی را تهدید می کند که ایشان نسبت به آن هشدار داده است». این مرجع تقلید با تأکید بر لزوم هشیاری

دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (ع) خواستار شد:

## پیگیری قانونی برای احیای بارگاه ائمه بقیع در مدینه

اسلامی همواره به پیامبر (ص) و خاندان ایشان احترام می گذاشته اند، گفت: از بارزترین شواهد این مدعا، زیارت مقام رأس الحسین (ع) و بارگاه حضرت زینب (س) در کشور مصر از سوی غیرشیعیان است.

حجت الاسلام والمسلمین اختری افزود: مسلمانان جهان با حرکت های افراطی گروه اندکی از وهابی ها موافق نیستند.

دارند، حال آنکه وهابی های تندرو با دست خود، میراث عظیم اسلامی را تخریب کرده اند.

دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (ع) تصریح کرد: همه مسلمانان، علما، اندیشمندان و صاحبان رسانه ها دست به دست هم دهند و از دولت عربستان بخواهند تا به خواست مسلمانان به ویژه شیعیان تن دهد.

وی با بیان اینکه پیروان مذاهب مختلف

قبه و بارگاه مجدداً احیا شود.

حجت الاسلام والمسلمین اختری خاطر نشان کرد: علاوه بر بارگاه ائمه بقیع (ع)، باید سایر آثار اسلامی در مکه و مدینه که یادآور ظهور پیامبر اعظم (ص) و دوران عظمت اسلام است، احیا شود. وی ابراز داشت: کشورهای مختلف سعی می کنند حتی ۴ ستون باقیمانده از سال های دور را به عنوان سرمایه فرهنگی نگه

مجامع بین المللی همچون یونسکو بدانند که خواست مسلمانان و شیعیان جهان، احیای بارگاه ائمه بقیع (ع) است.

دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (ع)، در آیین رونمایی از تصویر بارگاه ائمه بقیع قبل از آخرین تخریب، افزود: مجامع بین المللی وظیفه دارند که از راه های قانونی این موضوع را پیگیری کنند و از دولت عربستان بخواهند که اجازه دهد تا این

آیت الله صافی گلپایگانی:

## انتصاب استاندار زن خلاف شرع است

ایشان با انتقاد از پافشاری برخی بر مواضع غیر دینی، تصریح کردند: متأسفانه اعلام می کنند که برای بعضی از استان ها استاندار زن منصوب می کنیم؛ مگر می خواهید که با قرآن، پیامبر (ص) جنگ کنید که اینچنین خلاف شرع می گویند؟ شما با چه کسی می خواهید لجبازی کنید؟ آیا با احکام خدا و مسلمات دین مخالف هستید؟

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی ادامه دادند: این مملکت، مملکت اسلام، قرآن و امام زمان (عج)، شهیدان، جانبازان و آزادگان است و افتخار ما در دنیا به همین است و ذره ای کوتاه نمی آییم. ایشان اضافه کردند: البته ما در راه انجام وظیفه شکست نمی خوریم؛ ما مأمور به ابلاغ احکام هستیم؛ چه عده ای توجه کنند و یا توجه ننموده و فکر خود را تحمیل نمایند.

توجه به نظرات علما و دلسوزان انقلاب، اصول و ارزش های مقدس و والای انقلاب اسلامی را تغییر دهند، با خشم خداوند و قهر مردم روبرو خواهند شد.

این مرجع تقلید در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به مقام و منزلت زن در اسلام، اظهار داشتند: اسلام بالاترین کرامت را به بانوان می دهد و مردها را موظف می کند که به زنان خدمت نمایند.

بر اساس گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر معظم له، حضرت آیت الله صافی گلپایگانی با بیان اینکه احترام به حقوق انسان ها بدون توجه به استعداد های فطری آنها امکان ندارد، افزودند: خدمت به زن این نیست که کارهایی را که به مردها ارتباط دارد، به زنان واگذار کنیم؛ زیرا فرهنگ اسلامی ما با فرهنگ غرب و شرق تفاوت های زیادی دارد.

ایشان اضافه کردند: نمایندگان بر اساس سوگندی که خورده اند، همّت خود را صرف برطرف نمودن مشکلات مردم و عزت و استقلال کشور کنند.

معظم له ادامه دادند: هر کس که به اسلام و مملکت اسلامی بیشتر خدمت کند و در مقابل احکام نورانی قرآن حالت تسلیم داشته باشد و از خود چیزی را به دین تحمیل نکند، او در پیشگاه خداوند متعال عزیز و مقرب است.

ایشان با بیان اینکه شهدای ما برای تحکیم ارزش های اسلام، جان خود را نثار کردند و جانبازان سرافراز نیز برای همین هدف افتخار جانبازی را کسب نمودند، ابراز داشتند: مگر می شود خواست آنها را کنار گذاشت و خواست خود را تحمیل نمود؟ اگر کسانی بخواهند بدون

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی درخصوص تذکراتی که مراجع به مسئولین کشور می دهند، گفتند: ما با هیچ کسی عناد و خصومت شخصی نداریم؛ آنچه که می گوئیم در چارچوب احکام اسلام و دفاع از کیان مملکت اسلامی و مصلحت نظام می باشد. به گزارش مرکز خبر حوزه، معظم له در دیدار هیئت رئیسه فراکسیون روحانیون مجلس با اشاره به نقش و جایگاه مجلس در جامعه بیان داشتند: مجلس مستقل می تواند مشکلات مردم و کشور را حل کند و مردم را به نظام اسلامی امیدوار نماید.

این مرجع تقلید با تأکید بر بعد نظارتی مجلس، اظهار داشتند: نمایندگان مجلس باید بر سیاست های خارجی و داخلی کشور نظارت کامل داشته باشند و در تصویب قوانین با استقلال تمام، فقط رضای خداوند متعال و خدمت به مردم را در نظر بگیرند.

با حکم مدیر حوزه های علمیه:

## دبیر ستاد همکاری حوزه و آموزش و پرورش منصوب شد

فرصت های جدید، گسترش فعالیت های این ستاد در سطح ملی و توسعه کمی و کیفی اقدامات باید مورد اهتمام قرار گیرد.

خاطر نشان می شود: حجت الاسلام والمسلمین ذوعلم، پیش از این عهده دار این مسئولیت بوده است، اما با توجه به پایان مدت دوره ۲ ساله تصدی وی، مجدداً با حکم مدیر حوزه های علمیه به این سمت منصوب شده است.

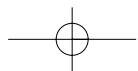
مراکز و موسسات حوزوی و غیرحوزوی با محوریت مدیریت حوزه های علمیه، بستر سازی برای ایجاد مدارس پیش حوزوی و تلاش در جهت ایجاد استقرار ستادی کارآمد و اثربخش با هدف نهادینه سازی همکاری های این دو نهاد، منصوب می نمایم.

در پایان این حکم با تأکید بر بهره گیری از کلیه ظرفیت های موجود حوزه و آموزش و پرورش خاطر نشان شده است: تلاش برای ایجاد

علمیه و آموزش و پرورش در چارچوب وظایف و مأموریت های محوله، شامل طراحی و برنامه ریزی اجرای برنامه های علمی، فرهنگی و تبلیغی در مدارس با استفاده از طاب و فضایی حوزه، ایجاد ارتباط و تعامل سازنده مدیریت حوزه های علمیه با وزارت آموزش و پرورش، استفاده از توانمندی های دو نهاد جهت توسعه و ارتقاء بینش دینی و اسلامی دانش آموزان، ایجاد ارتباط و تعامل با نهادهای

طی حکمی از سوی آیت الله مقتدایی، مدیر حوزه های علمیه، حجت الاسلام والمسلمین ذوعلم به عنوان دبیر ستاد همکاری های حوزه های علمیه و آموزش و پرورش منصوب شد.

در این حکم آمده است: با عنایت به تجارب ارزشمند و توانایی علمی و اجرایی جناب عالی، به موجب این حکم شما را به عنوان دبیر ستاد همکاری های حوزه های



آیت الله مقتدایی:

## نهج البلاغه در حوزه و کشور مهجور مانده است

ویژگی فقط در قرآن کریم وجود دارد. مدیر حوزه‌های علمیه تصریح کرد: مشکلات و کمبود امکانات در همه مراکز تخصصی وجود دارد، ولی با تلاش همکاران، مکانی برای تأسیس ساختمان همه مراکز تخصصی فراهم شده تا در کنار هم باشند و از فضاهای مشترک همچون سالن‌های اجتماعات، سالن مطالعه و کتابخانه کلاس درس و ... استفاده کنند.

آیت الله مقتدایی با اشاره به جایگاه ایران در جهان گفت: ایران اسلامی و حوزه‌های علمیه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، محبوبیت ویژه‌ای در میان مسلمانان به دست آورده و امروز توجه جهانیان به ویژه مسلمانان به سوی ایران است و علاقه مسلمانان به روحانیت چند برابر شده لذا باید این کشور الگویی برای جهان اسلام باشد.

وی ادامه داد: باید بهره‌های بیشتری از این مرکز تخصصی برده شود و فارغ‌التحصیلان به صورت عمیق در نهج البلاغه تعمق کنند تا بتوانند فرهنگ نهج البلاغه را ترویج دهند.

آیت الله مقتدایی تصریح کرد: تنها راه الگو شدن کشور در جهان، استفاده از روش حکومتی امیرالمومنین (ع) و عملی کردن سخنان آن حضرت در نهج البلاغه است.

عضو خبرگان رهبری بیان داشت: نهج البلاغه دریایی است که در آن همه نوع مروارید و گنجینه ارزشمند برای استفاده وجود دارد و تمامی نیازهای آدمی نهفته است.

وی افزود: نهج البلاغه فقط یک کتاب نیست، بلکه اقیانوسی است که انسان هر چه به عمق آن برود، بیشتر استفاده می‌کند و این

حوزه‌ی و نیز بهره‌مندی از تالیفات و مقالات علمی، زمینه تدریس آنان در مراکز علمی و دانشگاهی فراهم شود.

نایب رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه با تأکید بر توجه به منابع دینی عنوان کرد: رشته تخصصی نهج البلاغه از جمله رشته‌های مورد نیاز حوزه‌های علمیه و جامعه امروزی است لذا تشویق و تربیت دانش پژوهان در این رشته ضروری است.

مدیر حوزه‌های علمیه خاطر نشان کرد: متأسفانه علی‌رغم ارزش و بهای والای نهج البلاغه، این کتاب در کشور اسلامی ایران و حتی در حوزه‌های علمیه مهجور مانده است که باید تلاش شود عطر دل‌انگیز نهج البلاغه در فضای کشور حاکم گردد.

همایش فارغ‌التحصیلان مرکز آموزش تخصصی نهج البلاغه با حضور اساتید، فضلا و دانش پژوهان این مرکز از سوی بنیاد بین‌المللی نهج البلاغه در مجتمع عالی فقه مدرسه (حجتیه) برگزار شد.

مدیر حوزه‌های علمیه در این همایش با اشاره به موفقیت مرکز آموزش‌های تخصصی نهج البلاغه در تربیت فضلاء توانمند در عرصه معارف نهج البلاغه بیان داشت: برگزاری ۴ دوره موفق و حضور اساتید نخبه و دانش پژوهان و فارغ‌التحصیلان فاضل و مهذب، این مرکز را دارای ویژگی‌های خاص کرده است.

آیت الله مقتدایی تصریح کرد: باید از توانمندی‌های فارغ‌التحصیلان این مرکز به خوبی استفاده شود و با برگزاری نشست‌های

رئیس بنیاد بین‌المللی نهج البلاغه:

## طلاب طلایه دار ترویج نهج البلاغه در جهان باشند

فرهنگ اسلامی را مورد هدف قرار داده‌اند. سخنران این مراسم بیان داشت: برخی از عبارات و خطبه‌های نهج البلاغه همچون آیات سجده دار قرآن کریم سزاوار سجده است؛ چون کلام امام علی (ع) تفسیر قرآن و وجود ایشان مفسر قرآن است.

وی در پایان گفت: اگر این کتاب و حقایق در جوامع اسلامی مطرح شود، نسلی شجاع، آگاه و معتقد به خدا و متخلق به اخلاق الهی و علوی تربیت خواهد شد که زیر بار هیچ گونه ظلمی نمی‌روند و لذا دشمنان تلاش می‌کنند این حقایق به نسل جوان منتقل نشود و همواره در صحت و سند این کتاب خدشه وارد می‌کنند.

کتاب را در اوج اقتدار سیاسی و اجتماعی و در دوران حکومت ظاهری خود ایراد کردند.

وی تصریح کرد: این کتاب قرن‌ها در انزوا بود و فقط در کتابخانه‌ها و نزد علما نگهداری می‌شود؛ ولی با پیروزی انقلاب اسلامی دنیا با معارف بلند آن آشنا شد و روز به روز تعداد دانش پژوهان و اندیشمندان غربی که این کتاب را مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهند، افزوده می‌شود. حجت‌الاسلام والمسلمین دین‌پرور افزود: باید طلاب و فضلاء حوزه از این قافله عقب نمانند و در این زمینه طلایه دار باشند.

رئیس بنیاد بین‌المللی نهج البلاغه ادامه داد: جنگ فرهنگی علیه اسلام از سوی دشمنان از مدت‌ها قبل شروع شده و با دقت نقاط حساس

باید توجه بیشتری به این منبع عظیم معرفتی کنند و انس و آشنایی بیشتری با نهج البلاغه به عنوان گنجینه عظیم اهل بیت (ع) داشته باشند.

وی ادامه داد: باید حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها، تحصیل در مقطع دکترای نهج البلاغه را فراهم کنند، نه اینکه دانشگاه‌های انگلیس آن گونه که دوست دارند نهج البلاغه را تدریس و به دانش پژوهان معرفی کنند.

حجت‌الاسلام والمسلمین دین‌پرور گفت: باید از نزدیک با این معارف غنی آشنا شویم تا دریای مسائل اخلاقی، اعتقادی، سیاسی و اجتماعی را مشاهده کنیم و ویژگی این کتاب با سایر کتب روایی این است که امام علی (ع) خطبه‌ها و روایات این

مراسم اختتامیه مسابقه "حفظ چهل حکمت نهج البلاغه" از سوی مجمع اندیشه اسلامی و با همکاری مجتمع آموزش عالی امام خمینی، با حضور فضلا و طلاب غیر ایرانی در تالار قدس مجتمع امام خمینی برگزار شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین دین‌پرور در این مراسم اظهار داشت: امروز با تمام دشمنی‌های دنیای مادی‌گرا علیه اسلام و مکتب تشیع، سخنان امیرالمومنین (ع) در سازمان ملل مطرح می‌شود و مورد مطالعه و بررسی اندیشمندان جهان قرار می‌گیرد.

رئیس مرکز آموزش‌های تخصصی نهج البلاغه افزود: در چنین شرایطی شیعیان که افتخار تبلیغ و نشر فرهنگ علوی در دنیا را دارند

## مداحی اهل بیت (ع) را به ثناگویی قدرت و فحاشی سیاسی آلوده اند

جاهلان و کافران جاری نشد. حال چگونه اینان جرات می‌کنند در لباس مداحی و خدمتگزاری همان اهل بیت (ع) پاک و دوست داشتنی زشت‌ترین و زننده‌ترین الفاظ و فحاشی‌ها را بر زبان بیاورند

آیا اندکی به این اندیشیده‌اند که با این روش و رویکرد مشتمل کننده مردم را از جلسات ذکر اهل بیت (ع) فراری می‌دهند

ای کاش اینان نه به عنوان خادم بارگاه مقدس خاندان رسول الله (ص) که به عنوان یک شخص معمولی یا حتی یک سیاستمدار متعارف چنین سخنانی می‌گفتند و چنان رفتارهای زشتی را از خود بروز می‌دادند! و بازای کاش آنان مکانی دیگر به جز ساحت پاک مساجد و حسینیه‌ها و مهدیه‌ها و بقاع متبرکه را برای فحاشی و لجن پراکنی برمی‌گزیدند تا چنین رفتارهایی به حساب اهل بیت (ع) و محبان اهل بیت و مسجد و منبر و محراب گذاشته نشود!

به راستی وقتی یک مداح معروف اهل بیت (ع) چنان سخنان زشت و فحش‌های زننده را بر منبر مداحی در مسجد و حسینیه و در حضور هزاران زن و مرد و کودک به زبان می‌راند چه انتظاری می‌توان داشت از جوانانی که باید تمام حواس شان باشد به اینکه مشمول طرح امنیت اجتماعی نشوند!

عصر ایران

سیاستمداران دوست داشتنی خود بسنده نمی‌کنند بلکه اخیراً فضای محراب و منبر را به انواع فحش‌ها و الفاظ رکیک و زننده که تنها می‌توان از دهان انسان‌های بی‌اخلاق شنید آلوده کرده‌اند که از جمله می‌توان به شب‌های عزیز قدر امسال اشاره کرد که برخی مداحان معروف مخالفان سیاسی یک جریان خاص را با الفاظی مانند پیروز و ولدالزنا و ... (که بیش از این نوشتار حاضر را بدانها نمی‌آلاییم) خطاب کرده و آرزوی مرگ این مسلمانان هموطن را کرده‌اند و جالب اینجاست که یکی از همین مداحان در شب قدر سوم گفته است: می‌گویند فلانی! چرا در هیات فحش می‌دهی جوابش این است که نمی‌توانم به اینها فحش ندهم!

حال سؤال اینجاست کسی که به اعتراف خودش نمی‌تواند در مسجد و هیات و آن هم در شب قدر جلوی دهانش را بگیرد و فحاشی و غیبت نکند و تهمت نزند آیا شایسته آن است که مدال پرافتخار مداحی اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بر سینه اش باشد

ای کاش این افراد که مدام مردم را به تبعیت از سیره نبوی (ص) و منش علوی (ع) دعوت می‌کنند ابتدا به خودنهییب‌زند که اهل بیت (ع) هرگز دهانشان به الفاظ زشت باز نشد و بر زبان مبارک آنها جز "قول حسن" حتی در مقابل

آسیب از درون شکل بگیرد آرام و بی‌سر و صدا تمام وجود قربانی را فرا می‌گیرد و وقتی صدایش در می‌آید که دیگر خیلی دیر شده است درست مانند سرطانی که سلول به سلول در بدن بیمار پیشرفت می‌کند و به موقع تشخیص داده نمی‌شود تا وقتی که رنگ رخساره زرد می‌شود و علائم بالینی عیان می‌شود که در چنان وضعیتی حتی کاری از شیمی‌درمانی هم برنمی‌آید به جز قربانی را چند صباحی بیشتر زنده نگه داشتن در میان درد و حسرت.

حال حکایت جایگاه رفیع مداحی اهل بیت (ع) است و مداحانی که صدای زیبا و الحان خوش‌شان نه برای بازگویی فضایل بزرگترین و فاضل‌ترین انسان‌های تاریخ که برای ستایش و نیایش قدرت و سیاستمداران از حنجره بیرون می‌آید و آنچه در باب اهل بیت (ع) بر فراز منبرهای اینان ذکر می‌شود تنها مقدمات و موخرات آن هدف اصلی شده است.

به بیان دیگر این گروه از مداحان رسمی مردم و مریدان شان را به نام نامی اهل بیت (ع) در مساجد و حسینیه‌ها و تکایا و بقاع گرد هم می‌آورند تا در میانه ذکر مصیبت سیدالشهدا (ع) و علی (ع) و زهرا (س) و ... منویات سیاسی شان را ذکر کنند! البته ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود و مداحان قدرت و سیاست فقط به مجیزگویی

مداحان اهل بیت (ع) از دیرباز در جامعه شیعی ایران ارج و قربی خاص داشته‌اند چه آنکه دوستداران خاندان نبوت (ص) فضایل رهبران دینی خود را از زبان و لحن و صوت آنها می‌شنیدند همراه آنها دل‌هایشان را به کربلا و نجف می‌بردند در بقیع سیر معنوی می‌کردند و مشهدالرضا (ع) به یاد مظلومیت امام غریبان می‌گریستند و نیمه شعبان با نواهای دلنشین شان دست می‌زدند و شادی می‌کردند.

اکنون نیز البته چنین است و مداحانی که مدح اهل بیت (ع) را با ثنای قدرت و ستایش سیاستمداران معامله نکرده‌اند جایگاهی چنان رفیع در بین شیعیان دارند و یاری رسان آنها در تعمیق عشق و ارادت شان به رسول (ص) و علی (ع) و زهرا (س) و فرزندان آنها هستند.

خداوند رفتگان گذشته را بیامرزد که چه سخنان حکیمانه ای داشتند! حرفهایی که هر کدام از آنها باید به آب طلا نوشت و در مقابل دیدگان آویخت. یکی از جملات ساده و در عین حال نغز آنان این بود که "سبب از درون می‌گندد" این سخن اشارتی صریح دارد به اینکه اگر قرار است آسیبی به چیزی وارد آید هیچ چیز به اندازه فساد و کژئی درونی خطرناک نیست چه آنکه اگر آفتی از بیرون وارد آید به راحتی قابل مشاهده و دفع خواهد بود ولی اگر آفت و

آیت الله محمد علی تسخیری:

## امام صادق (ع) داعیه دار وحدت امت اسلامی در تمام دورانها است



احساس می کنم که برگزاری این سمینار حرکت زیبایی است و امیدوارم که اثرات خودش را در مسیر وحدت مسلمانان بگذارد.

ورزیدند، و طوری امام با شاگردانش صحبت می کردند که آنها عاشق ایشان می شدند.

آیت الله تسخیری اظهار داشت: امام صادق (ع) در آن فضای پر تلاطم و بی ثباتی سیاسی، در اوضاع جعل احادیث و در فضاهای گوناگون، ایشان کل امت اسلامی را هدایت کردند و سعی نمودند، کشتی امت اسلامی را به سلامت به مقصد برسانند. ایشان ابراز امیدواری کرد که اگر امت اسلامی شخصیت های برجسته خود را بشناسد، می تواند در مقابل همه چالش های فراروی خود ایستادگی کند.

آیت الله تسخیری افزود: همه مذاهب در اصول ایمان، مشترک اند، هر کس در اصول ایمان آورد داخل امت اسلامی است و هر کس آنها را انکار کرد خارج از امت اسلامی است. این عالم برجسته در پایان گفت: من

سمینارهایی زمینه ساز معرف شخصیت های بزرگ جهان اسلام به دانشمندان و دانش پژوهان و جوانان مسلمان است.

آیت الله تسخیری معرفی چهره ها و مفاخر اسلامی چون امام جعفر صادق (ع) و امام ابوحنیفه (ره) را باعث نزدیکی و وحدت و تقریب بین مذاهب مختلف اسلامی دانست. به عقیده ایشان معرفی این چنین شخصیت ها، خصوصاً شخصیت امام جعفر بن محمد الصادق (ع) می تواند همه افراد امت و پیروان مذاهب را در راستای نیل به اهداف والای اسلامی و برادری و برابری بسیج کند.

به گفته ایشان، امام صادق (ع) با داشتن چهار هزار شاگرد از همه ادیان، الگوی زیبایی برای حرکت امت اسلامی در زمینه مشترکات و معذور داشتن آنان در زمینه اختلاف بود. ایشان افزود: همه شاگردان امام به ایشان عشق می

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گفت: امام صادق (ع) می تواند همه پیروان مذاهب را در راستای نیل به اهداف والای اسلامی بسیج کند.

به گزارش خبرگزاری تقریب، آیت الله محمد علی تسخیری دبیرکل مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی که جهت شرکت در سمینار امام صادق (ع) در کابل به سر می برد، در گفتگو صدای افغان اظهار داشت: شخصیت امام جعفر بن محمد الصادق (ع) می تواند همه افراد امت و پیروان مذاهب اسلامی را در راستای اهداف اسلامی بسیج کند.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب امام صادق (ع) را استاد ائمه مذاهب و هم داعیه دار وحدت امت اسلامی در تمام اعصار خواند.

آیت الله تسخیری گفت: برگزاری چنین

## تقریب مذاهب اسلامی اندیشه ای ضد استعماری است

### راه وحدت اسلامی چیست؟

این راه مسیر طولانی دارد اما در یک جمله می توان گفت راه وحدت، حفظ و تقویت مشترکات است. بیش از ۹۰ درصد اعتقادات در فقه و احکام میان اهل سنت و شیعیان مشترک است. تکیه بر روی مشترکات اصل است آنجا که افتراقی وجود دارد، باید به هر کدام از آنان واگذار شود. زیرا هر کدام برای خود دلیل دارند. تعصب بر روی افتراقات، تخطئه طرف مقابل و توهین به آن دور از فکر وحدت است. با حفظ مشترکات، جامعه اسلامی قدرتی بزرگ در برابر استعمار می شود. استکبار ساهاست این را می داند و با وحدت اسلامی مخالفت می کند.

### تحریفات چه ضرباتی به بدنه وحدت اسلامی می زند؟

استعمار وقتی که می خواهد تفرقه بیندازد مقید نیست که راست بگوید بلکه دروغ می گوید و اختلافات را هم که راست است بسیار بزرگ تر از آنچه هست جلوه می دهد.

### در برابر این تحریفات، چه باید کرد؟

همین کاری که مجمع جهانی تقریب انجام می دهد. با انتشار افکار و اندیشه های عالمان بزرگ سنی و شیعه، بذر آگاهی را در جوامع مسلمین می پاشد. علما هم نقش بسیار با اهمیتی در توسعه وحدت دارند.

### آیا جامعه نخبگان نقش خود را در این راستا به خوبی ایفا کرده اند؟

عده ای هستند که همفکرند. اما اینکه شبانه روز به امر وحدت اسلامی اهتمام بورزند و دغدغه این را داشته باشند، خیلی وجود ندارد. البته فکر وحدت اسلامی، طرفداران بسیاری در میان بزرگان اهل سنت و تشیع دارد. مخالف هم در میان جوامع مسلمان دارد که به دعای مختلف با آن مخالفت می کنند مجمع جهانی تقریب مذاهب در برابر این ها تدابیری دارد. این فکر باید در آنجا که تعصب بیشتر وجود دارد، توسعه یابد. بیشتر مخالفت ها و موانع پیش روی وحدت اسلامی در اصل از سیاست سیاستمداران کشورهای اسلامی آب می خورد. زیرا سیاستمداران منافع خود را در وحدت نمی بینند. از آنجا که انقلاب اسلامی ایران هم تمام معادلات آنها را به هم زد، زیرا محور تأسیس این نظام، قدرتمند کردن اسلام در جهان بود.

منبع: قدس

این تفسیر، شیخ، آرا و اندیشه های مثبت و ارزشمند آنان را نقل کرده است. به گفته شیخ شلتوت، عالم بزرگ طبرسی، آرای شیعه را نیز به صورت نقل قول عنوان کرده و تعصب شخصی در بیان آن نداشته است. اصلاً تفسیر مجمع البیان شیخ طبرسی تقریباً محور کار دارالتقریب بود. شمارگان بالای از این تفسیر در ایران و بیروت چاپ شد. اکنون نیز با وجود ارزشمندی بالای آن شایستگی چاپ مجدد دارد.

در آن زمان نیازمند مرکزی بودیم که درباره وحدت اسلامی، پروژه های پژوهشی و علمی انجام دهد که در قم تأسیس شد. در این مرکز عده ای مشغول این کار شدند و سال به سال این امر توسعه یافت. برای نمونه تاکنون ۱۰ جلد احادیث مشترک میان اهل سنت و تشیع از سوی این مرکز چاپ شده است و برای آن ساختمان آبرومندی در دست ساخت است.

**در حال حاضر با توجه به اینکه وحدت اسلامی محور قدرت گرفتن اسلام در جهان است، نقش مجمع جهانی تقریب مذاهب چه قدر جدی و مؤثر است؟**

بسیار زیاد. در حال حاضر آیت الله تسخیری با آشنایی کاملی به زبان عربی و با پیشینه کاری که دارند، دبیرکل مجمع جهانی تقریب می باشند و با آشنایی خوبی که با این امر دارند؛ فعالیت می کنند. حضور مؤثر ایشان در کنگره های اسلامی و سخنرانی های ایشان درباره ضرورت وحدت اسلامی موجب پیشرفت این فکر مقدس است. در شرایط کنونی فعالیت های مجمع جهانی تقریب روز به روز در حال افزایش است. بسیاری از بزرگان مذاهب اسلامی در جهان با این فکر آشنا شده و انس گرفته اند. این اتفاق مهمی است.

البته این فکر مخالفان داخلی و خارجی هم دارد که برخی از آنان صرفاً به خاطر حفظ مذهبشان و عده ای دیگر درگیر تعصبات شخصی و یا اهداف و منافع دیگری هستند. سیاست های استعماری هم موافق با وحدت اسلامی نیستند. تا می توانند بین مسلمانان تفرقه ایجاد می کنند. اصلاً شعار انگلیس ها این بود: تفرقه بینداز و حکومت کن. بنابراین دارالتقریب و مجمع جهانی تقریب، مراکز ضد استعماری هستند. استعمار با تفرقه اندازی بین مذاهب اسلامی و برادران مسلمان نفوذ می کند و قدرت می گیرد.

نخستین کاری که باید انجام می دادیم این بود که نشریه ای برای بازگویی فعالیت هایمان داشته باشیم. دارالتقریب فصلنامه رساله الاسلام را داشت. این مجله از بهترین و معتبرترین مجلات جهان اسلام بود. بزرگترین علمای شیعه و سنی جهان اسلام در آن مقاله ای داشتند. مجله مجمع جهانی تقریب مذاهب هم با عنوان رساله تقریب زیر نظر دکتر آذرشب به زبان عربی منتشر شد.

همچنین خبرنامه ای به زبان فارسی با عنوان اخبار تقریب زیر چاپ رفت. در حال حاضر هم رساله تقریب دو ماه یکبار همراه با دوهفته نامه پیک تقریب منتشر می شود. دو اثر بزرگ به کمک مهندس قمی فرزند مرحوم علامه قمی چاپ شد. اول اینکه دارالتقریب ۶۰ شماره از مجله رساله الاسلام را چاپ کرده بود و تعطیل شد. این مجله برای پدر من هم می آمد و از همان ابتدا آن را مطالعه می کردم.

زمینه آشنایی بنده با دارالتقریب هم از همین مسیر بود. مهندس قمی دوره ۶۰ شماره ای آن را در اختیار ما گذاشت و ما آن را در ۱۵ جلد با همکاری مجمع جهانی تقریب مذاهب و بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی عیناً به صورت افست چاپ کردیم. انصافاً این کار دارالتقریب رازنده کرد. بسیاری از علما نیز از این طریق با آرا و اندیشه های بزرگان جهان اسلام و اعتقادات آنان درباره وحدت اسلامی و ضرورت تقریب مذاهب آشنا گردیدند.

دوم اینکه دارالتقریب تفسیر مجمع البیان اثر شیخ طبرسی را با صرف مدتی قریب بیست سال تصحیح آن را در ۱۰ جلد چاپ کردند. مقدمه های ارزشمندی در این مجموعه به قلم دو شیخ الازهر، شیخ شلتوت، شیخ عبدالحمید (استاد شلتوت) و علامه شیخ محمد تقی قمی چاپ شد. مجمع جهانی تقریب این مجموعه را به پیشنهاد مقام معظم رهبری به صورت افست با مقدمه اینجانب چاپ کرد. نکته قابل توجه اینکه، اصلاً قبل از تشکیل دارالتقریب و عینیت بخشیدن به فکر وحدت اسلامی معلوم شد، این نظریه در آرای شیخ طبرسی وجود داشته است.

**با این تفصیل شیخ طبرسی، از نخستین کسانی بود که به وحدت اسلامی، تحقق شکلی بخشیده است؟**

آنچه مهم است اینکه، شیخ طبرسی این تفسیر را چنان منزه نگاشته است که در آن هیچ توهین و هتاک به اهل سنت و بزرگان آنان نشده است. در

اکنون مسلمانان بیش از هر زمان دیگری نیازمند وحدت کلمه و تحکیم صف متحد خود در برابر چالش های بزرگ کنونی و نقشه های طراحی شده دشمنان هستند. آنچه درباره استراتژی تقریب مذاهب اهمیت دارد این است که تقریب مذاهب اسلامی، ذوب شدن مذاهب و یا ادغام آنها در یکدیگر نیست، بلکه گامی در جهت همبستگی و همدلی است.

همزمان با سالروز تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با آیت الله محمد واعظ زاده خراسانی که از آغاز تأسیس این مرکز تا ۱۱ سال بعد از آن دبیر کل بوده و هم اکنون نیز عضو شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی است، درباره چند و چون اهداف و انگیزه های این مرکز، گفتگو کرده ایم که در ادامه تقدیم می شود:

**در آغاز به پیشینه و انگیزه تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اشاره می فرمایید؟**

در سال ۱۳۲۵ ه. ش در مصر، مرکز دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه با شرکت علمای اهل سنت و شیعه از جمله شیخ الازهر تشکیل شده بود و علامه شیخ محمد تقی قمی هم دبیر کل و مؤسس آن بود. امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری درباره وحدت اسلامی بسیار تأکید داشتند. در سال ۱۳۶۹ رهبر انقلاب دستور تأسیس مجمع تقریب مذاهب اسلامی را به بنده دادند، زیرا مدت ها با مرکز دارالتقریب در ارتباط بودم. البته بعدها پیشوند جهانی هم به این مجمع داده شد. علامه قمی که در آن دوران در پاریس اقامت داشت، بعد از باخبر شدن تأسیس این مرکز بسیار خوشنود شدند.

برای تأسیس این مجمع آئین نامه نوشتیم و هیأت مدیره انتخاب کردیم که ریاست آن را مرحوم سید محمدباقر حکیم بر عهده داشت. آیات عظام تسخیری، جنتی و شاهرودی هم از اعضای این هیأت بودند. قبل از آن که چهار دوره کنگره جهانی وحدت اسلامی از سوی سازمان تبلیغات اسلامی برگزار می شد، از سوی مقام معظم رهبری به مجمع جهانی تقریب مذاهب واگذار شد. علما و دانشمندان بزرگی در این کنگره که در هفته جهانی وحدت برگزار می شد، حضور داشتند. البته بودجه های این مرکز از سوی دفتر مقام معظم رهبری تأمین می شد. این مرکز در آغاز در خانه ای شروع به فعالیت کرد.

**نخستین اقدامات مجمع جهانی تقریب مذاهب چه بود؟**

## معرفی کتب و نشریات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

**اولین شماره مجله الحجاج از سوی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی منتشر شد**

فصلنامه بین‌المللی، تخصصی و فرانسه زبان الحجاج از سوی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی منتشر شد.

این مجله زیر نظر آیت الله محمدعلی تسخیری دبیر کل مجمع و سردبیری دکتر سمیر سلیمان با روش احترام متقابل و پرهیز از گرایش‌ها و رویکردهای سیاسی منتشر می‌شود.

این مجله به منظور آشنایی بیشتر مسلمانان فرانسه زبان جهان به ویژه اقلیت های مسلمان با مشکلات پیروان مذاهب مختلف و گسترش فرهنگ تقریب، تفاهم و تعامل بهتر با یکدیگر و توجه بیشتر به موارد مشترک بین همه مسلمانان و کمرنگ کردن موارد اختلافی و مقابله با تهاجم فرهنگی برنامه ریزی شده دشمنان اسلام در لبنان به چاپ می‌رسد.

فصلنامه بین‌المللی، تخصصی و فرانسه زبان الحجاج دارای بخش‌های افتتاحیه، مقالات مرتبط با موضوع هر شماره، مقالات آزاد، بررسی و نقد دیدگاه صاحب‌نظران و بخش میزگرد است.

در اولین شماره این مجله مقالاتی همچون خارج شدن از چارچوب‌ها برای رسیدن به جبهه ارزشی جهانی از علامه سید محمد حسین فضل الله و چالش‌های فراروی تقریب ارائه شده است.

**المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیة**

یکی از اهداف جمهوری اسلامی ایران در سطح جهانی نزدیک کردن مذاهب اسلامی به یکدیگر و تحقق اتحاد مسلمانان در سراسر دنیاست. ازاین رو برای نیل به این هدف، به فرمان مقام معظم رهبری، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی تأسیس شد. در کتاب المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیة اهدافه و منهجه و منجزات-ه کوشیده شده که اهداف، روش و اقدامات و فعالیت های این مجمع تشریح شود.

در ابتدا چگونگی تأسیس مجمع بیان شده، سپس مجمع عمومی، شورای عالی و اعضای آن، دبیر کل، اساسنامه و استراتژی آن معرفی و تبیین شده است.

پس از آن فعالیت ها و اقدامات مختلف مجمع از جمله برگزاری کنفرانس وحدت اسلامی، سمینارهای تقریب مذاهب اسلامی، حضور در کنفرانس های جهانی، هیئت های اعزامی مجمع، تأسیس مرکز تحقیقات علمی، آثار منتشر شده، نشریات، جوایز، دانشگاه تقریب مذاهب، همکاری و تعامل با مراکز و علماء و اندیشمندان، شرکت در نمایشگاه های کتاب خارجی و داخلی، تأسیس کتابخانه های تخصصی در زمینه تقریب مذاهب اسلامی و راه اندازی پایگاه اینترنتی به اختصار معرفی شده است.

گفتنی است این کتاب به همت معاونت بین الملل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی نگاشته و منتشر شده است.

**سبحات روحیة فی سیرة الامام الشهدید الصدر**

آیت الله شهید سید محمد باقر صدر(ره) از بزرگترین متفکران و دانشمندان معاصر جهان اسلام است که عمر خود را در راه حاکمیت اسلام حقیقی صرف کرد و سرانجام در راه همین هدف والا شربت شهادت نوشید.

وی هنگامی که با معجزهٔ بزرگ قرن، امام خمینی(ره) برخورد کرد و دانست که ایشان برای تحقق حاکمیت اسلام می‌کوشند، خویشتن و نایل شدن به مقام مرجعیت را فراموش کرد و همه چیز خود را فدای او نمود. این شخصیت بزرگوار به شاگردانش نوشت: در امام خمینی ذوب شوید، همچنان که او در اسلام ذوب شده است.

کتاب حاضر، تصویری از عشق و رزوی یکی از شاگردان شهید صدر به استاد خود است که می‌کوشد صورت و سیرت ملکوتی او را ترسیم کند. کتاب سبحات روحیة فی سیرة الامام الشهدید الصدر که توسط سید فاضل نوری و به زبان عربی نگاشته شده، به سیرت فردی و اجتماعی شهید صدر(ره) می‌پردازد.

عناوین فصل های این کتاب که توسط انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی چاپ و منتشر شده، عبارت است از مقدمه به قلم استاد شیخ محمدعلی تسخیری، اهدا، پیشگفتار، مقدمه، سیرت اخلاقی، عبادت، زهد، تواضع، صبر و بردباری، وفاداری و اخلاص، شهید صدر و خانواده‌اش، خودداری و امتناع، شهید صدر و مسئولیت، جست‌وجوگری، مسلک عارفان، هدف مقدس، اسوه دانش و عمل، شهید صدر در محاصره، شهادت، نجوا با روح شهید صدر و مدفن شریف او.

### تقریب

## آسیب‌شناسی نگاه امروزین به تقریب مذاهب

کمتر از منظری درون دینی که دلمشغول ملاحظات تقریبی است به این مبحث پرداخته شده است. مسلمانان اروپایی را می‌توان در یک معنا، پیشروان گفت‌وگوی اسلامی و غربی لحاظ کرد. حاصل آنکه در این حوزه تمدنی عناصر هویتی اسلامی، در مقابل دیگر ادیان، بیش از عناصر مذهبی مجال طرح یافته‌اند. رویکرد به تقریب در این حوزه تابعی از نگاه به خصایصی از این دست و برنامه‌ریزی دقیق و جدی در این عرصه است.

**اروپای شرقی و روسیه**

از جمله نکات جالب قابل توجه در مورد اروپای شرقی و روسیه حضور مسلمانان پرشمار بومی در این مناطق است که از قرن‌ها پیش به اسلام گرویده‌اند. به این ترتیب ما در این مناطق با حوزه‌هایی در اروپا روبه‌رو هستیم که دارای جمعیت‌های قابل توجه مسلمانان بومی و غیر مهاجر است. طبعاً این مساله قابلیت‌های بی‌ظنیری را برای فعالیت‌های اسلامی در این حوزه تمدنی فراهم می‌آورد. متأسفانه و به رغم وجود این قابلیت جدی، از جمله عرصه‌های نه چندان موفق فعالیت ما در امر تقریب، به روسیه و اروپای شرقی و مرکزی باز می‌گردد. جمعیت گسترده مسلمانان روس، مسلمانان آلبانیایی یا آلبانیایی تبار در کشورهایی دیگر، مسلمانان اسلاو در کشورهای نظیر بوسنی، مسلمانان ترک تبار بلغار و دیگر جمعیت‌های بزرگ و کوچک

مسلمان در این حوزه تمدنی باید بیش از پیش مورد توجه برنامه‌ریزان قرار بگیرند. وجود گرایش‌های قدرتمند باطنی گرا و عرفانی در بخشی از این مناطق نظیر آلبانی نشانگر ظرفیت‌های بالای تقریب است. همچنین دانش محدود اسلامی مسلمانان در این مناطق زمینه را برای انتقال اصول ناب اسلامی محمدی (ص) و ایجاد فضای گفت‌وگوی علمی متکی بر واقعیات ارزشمند اسلامی در این عرصه گسترده فراهم کرده است.

**قفقاز و آسیای مرکزی**

قفقاز منطقه‌ای کاملاً استراتژیک است. هر چند مذهب شیعه در این حوزه تمدنی دست بالا را دارد ولی متأسفانه روندی رو به رشد در چارچوب فرآیندی مذهب زدایانه در این منطقه در حال انجام است که نباید با بی‌توجهی از کنار آن گذر کرد.

**شبه جزیره عربستان و حاشیه خلیج فارس**

بیشترین تمرکز تقریبی ما در حوزه شبه جزیره و خلیج فارس بوده است. بی‌گمان این حوزه تمدنی، بسیار مهم و کلیدی است. با این حال فعالیت تقریبی در آن باید با هوشمندی مضاعف و رویکرد عالمانه دنبال شود. متأسفانه وجود گرایش‌های سلفی و ضدشیعی در این مناطق مشهود است. البته این به معنای آن نیست که این مناطق استعداد رویکردهای تقریبی را ندارد. وجود گرایش‌های فقهی گسترده در قالب‌های متعدد در این منطقه ایجادکننده فرصتی برای تقریب است. نگاه به تقریب در این عرصه‌ها می‌تواند عمدتاً متکی بر گفت‌وگوهای فقهی شود و دانش معتبر و جذاب شیعی به مثابه مبنایی بر رفع سوءتفاهم‌ها و ایجاد درکی مشترک مورد توجه قرار گیرد.

**شبه جزیره هندوستان**

شبه جزیره هندوستان را باید عرصه‌ای بارور برای تقریب در نظر گرفت. هر چند که متأسفانه در دهه اخیر رویکرد جدی وهابیان به این حوزه بزرگ تمدنی، جدال‌های مذهبی گسترده‌ای را سبب شده است و عملاً کارکردی ضدتقریبی داشته است. جالب آنکه ردپای این نزاع‌ها را به هیچ روی نمی‌توان در تاریخ پربار منطقه، همچون امروز، جدی و نگران‌کننده دید.

**آمریکای لاتین**

جمعیت مسلمانان در کشورهای آمریکای لاتین در کشورهایی نظیر برزیل، آرژانتین و چند کشور دیگر قابل مشاهده است.

مسلمانان این مناطق عمدتاً مهاجر هستند و از کشورهایی نظیر لبنان به آمریکای لاتین رفته‌اند. در میان آنها گروه‌های سنی و شیعه مذهب را می‌توان یافت. متأسفانه بی‌توجهی به مسلمانان این مناطق، دور بودن آنها از مناطق مرکزی و هسته‌ای اسلام و فاصله زمانی بعضاً طولانی میان زمان مهاجرت و زمان حاضر سبب شده است که رنگ و بوی مسلمانی در میان برخی از آنها کمرنگ شود و عملاً در مواقع فراوانی، از اسلام تنها نامی با کارکردهای محدود هویتی برای این مسلمانان باقی بماند. البته این وضعیت شمولیت قطعی ندارد و همچنان می‌توان به جمعیت‌هایی از مسلمانانی در این مناطق اشاره کرد که عملاً هویت خود را حفظ کرده‌اند.

**منبع : تهران امروز**

رویکرد به تقریب میان مذاهب مختلف اسلامی باید بر اساس سرمایه‌گذاری بر مناطقی صورت گیرد که از بیشترین بهره‌مندی برخوردارند و سرمایه‌گذاری معنوی بر آنها پاسخ در خور را به همراه دارد. به دیگر سخن، تقریب باید در چارچوب رویکردی مزیت‌گرا دنبال شود. منظور از مزیت‌گرایی در تقریب، مراعات دو اصل راهبردی زیر است:

۱-گرایش متناسب بازمینه‌های تقریبی براساس ساختار منطقه‌ای، تاریخ و فضای اجتماعی و سیاسی در هر حوزه تمدنی بر اساس سلسله‌ای از استراتژی‌های مستقل و متناسب با نیازهای آن منطقه.

۲- تمرکز و سرمایه‌گذاری بر مناطقی که بیشترین نتیجه‌بخشی را با کمترین پرداخت هزینه به بار می‌نشانند.

اگرچه انکار تلاش‌هایی که صورت گرفته منصفانه نیست ولی واقعیت هم ضروری است که آسیب‌شناسانه وضع موجود نشانگر نیاز به اهتمام بیشتر در کاربرد دو نکته راهبردی فوق‌الذکر است. هرچند که خوشبختانه تلاش‌هایی نیز در این راه صورت گرفته است اما به نظر می‌رسد که مراعات این نکات راهبردی تقریب‌گرایی را در کشور ما به مثابه بخشی کلیدی، تعیین‌کننده و پیشتاز معرفی خواهد کرد که تاثیری جدی در گسترش پیام انقلاب اسلامی و افزایش توان خارجی مسلمانان جهان و کشور ایران خواهد داشت.

**تبارشناسی در رویکرد منطقه‌ای به تقریب**

نگاه منطقه‌گرایانه به تقریب باید رویکردی به جد تبارشناسانه را نیز دنبال کند. شیوه ورود اسلام به هر منطقه جغرافیایی، اولین حاملان اندیشه‌های اسلامی در مناطق مختلف هنگام ورود اسلام، مبلغان اصلی اسلامی در جریان گسترش اسلامی در مناطق مختلف، نحوه گسترش اسلام در منطقه‌های جغرافیایی وسیع،عناصر ذهنی و فرهنگی فعال در هر منطقه پیرامون اسلام، آرایش مذهبی در هر منطقه، وضعیت حکومت نسبت به تقریب‌گرایی، نحوه دین‌ورزی در منطقه و وجود رویه‌های مختلف نظیر تصوف، سلفی‌گری، تجددخواه و مواردی از این دست باید ذیل چنین ملاحظاتی مورد مطالعه، دقت و تامل قرار گیرد.

در ادامه، برخی از زمینه‌های تقریب در مناطق مختلف جغرافیایی را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

**آسیای جنوب شرقی**

آسیای جنوب شرقی از جمله مستعدترین حوزه‌های جغرافیایی برای تقریب میان مذاهب اسلامی است. آشنایی مردمان این حوزه بزرگ جغرافیایی با اسلام از طریق تجارت با ایرانیان صورت گرفته است. می‌توان گفت که استعدادهای فرهنگی منطقه امکان رویکرد جدی جهت بسط استراتژی‌های تقریبی میان مذاهب اسلامی را در آنجا فراهم است.

**شاخ آفریقا**

وجود گرایش‌های علاقه‌مند به اندیشه شیعه و ائمه علیهم السلام در این منطقه و رسوخ آن به مثابه بخشی عینی از زندگی مردم مسلمان شمال آفریقا بر اهل نظر پوشیده نیست. سابقه حکومت‌های شیعی یا طرفدار شیعه همچنان در ضرب‌المثل‌ها و دیگر جوانب زندگی این مردم مشخص است. همچنین رویکردهای عرفانی و صوفی‌مآب در این منطقه بزرگ و تاثیرگذار جغرافیایی کاملاً مشهود است. به دیگر سخن از آنجا که معرفی اسلام به شرق آسیا عمدتاً از طریق تجارت با ایرانیان انجام شد عناصر گفت‌وگویی در تبلیغ اسلامی در این حوزه جغرافیای کارکردی عمیقاً تاریخی و موثر یافته است. از این عناصر می‌توان به مثابه استعدادی کم نظیر برای رویکرد به تقریب استفاده کرد.

در نگاه به تقریب در این منطقه نباید از نظر دور داشت که آسیای جنوب شرقی و شرق آسیا (مالزی،اندونزی، چین و ترکستان شرقی، تایلند و…) جمعیت‌های بسیار گسترده‌ای از مسلمانان را در خود دارند و عملاً بخش قابل توجهی از مسلمانان جهان در این حوزه بزرگ تمدنی زندگی می‌کنند.

**اروپای مرکزی و غربی**

اسلام دومین دین بزرگ اروپا و اولین دین در حال رشد سریع در این منطقه است. شاید یک دهه پیش از این قابل باور نبود که ۱۰ سال بعد نام اسلامی محمد(ص) در کشورهایی همچون انگلستان و هلند بیشترین تعداد نامگذاری را در طول سال، مطابق آمارهای رسمی این کشورها به خود اختصاص دهد.

در ارتباط با حضور مسلمانان در غرب تحقیق‌های فراوان و گسترده‌ای صورت گرفته است. متأسفانه تقریباً همه کارهای ماندگار در مجامع آکادمیک غربی انجام شده است و از این روی

## یادمان

اندوهدای از ماموستا

# شهید دکتر شیخ الاسلام کردستانی

(سو)اهتمام ویژه ورزند.

شیخ الاسلام منادی وحدت و دل‌بسته نظام روشن است که دشمنان اسلام در این برهه حساس از تاریخ به منظور ایجاد تفرقه و بدبینی و نزاع بین مسلمانان به دنبال از بین بردن منادیان وحدت و همدلی استوانه های علم و آگاهی و بیداری امت اسلامی می باشند. ماموستا شیخ الاسلام منادی وحدت در غرب ایران و از طلایه داران اتحاد اسلامی در میان جماعت اهل سنت کردستان مفتی وجیه المله ای بود که علاوه بر منشا خدمات و برکات بسیار در آن منطقه بر اثر شیفتگی و دل‌بستگی خود به انقلاب اسلامی حلقه رابط میان نظام و مردم آن سامان در عرصه های گوناگون دینی فرهنگی اجتماعی و سیاسی به حساب می آمد. مقام معظم رهبری ضمن تسلیت شهادت ایشان در دیدار با اعضای مجلس خبرگان به این مهم تصریح فرمود که: "من نقش این برادر خوبمان را در کردستان هم از دور می دانستم هم از نزدیک رفتم مشاهده کردم . ایشان عامل وحدت بود عامل گسترش فکر انقلاب اسلامی بود معتقد به مبانی نظام بود؛ کاملاً صادقانه و جدی". (۳) وی سخت دلباخته و پیرو اسلام نظام و امام و رهبری بود؛ چنانکه فرزند ایشان پس از شهادت پدر اظهار داشت: " پدرم علاقه و ارادت بسیاری به مقام معظم رهبری داشت و می‌گفت: دلم می‌خواهد بنشینم و برای مظلومیت مقام معظم رهبری گریه کنم". (۴) ماموستا در جریان گفتگوی ما با ایشان (مندرج در شماره ۵۲معارف)ضمن تجلیل از مقام معظم رهبری در نامیدن سال ۱۳۸۶ به نام "سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی" گزارشی از استشهاد زیبای خود به آیه ۹۴ سوره طه در جمع علمای اهل سنت کرد که خواندنی است:

من معتقدم از زمانی که مقام معظم رهبری (حفظه الله ) مسئولیت رهبری را پذیرفتند نافع ترین عطیه ای که به دنیای اسلام هدیه نمودند همین فتوای "وحدت ملی و انسجام اسلامی" (۵) است. حالا نمی‌خواهم آیه "واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا" (۶) و دیگر آیات وحدت بخش را بخوانم چرا که مسلم است دین ما بر پایه وحدت نضج گرفته است . در تاریخ صدر اسلام مشاهده می‌کنیم که سنت عملی و قولی رسول الله چنین بود: اتحاد بین اوس و خزرج میان مهاجرین و انصار. بلالی را که از حبشه آمده بود موذن می‌کنند. سلمان فارسی را که از ایران آمده مفتخر به دخول در دایره اهل بیت می‌نمایند. این همه اساس وحدت اسلامی است ؛اما اکنون می‌خواهم در باب وحدت به یک آیه استناد کنم تا ما واقعا از هر عملی که موجب اختلاف می‌شود دوری کنیم. من در سخنرانی ام در دیدار چند روز پیش با علمای بسیجی اهل سنت این آیه و نکته نهفته در آن را هم به ایشان یادآور شدم و گفتم من تا به حال عالمی را ندیدم که به سخن حضرت هارون برادر حضرت موسی (ع) در باب وحدت استناد کند. می‌دانید که سامری هم نامش موسی بود و در دامن حضرت جبرئیل تربیت یافت و حضرت موسی (ع) در دامن فرعون ؛اما یکی پیغمبر خدا شد و دیگری بت ساز!وقتی حضرت موسی (ع) به میقات مشرف شد در غیاب ایشان سامری از حلی (۷) و زیور آلات بنی اسرائیل "عجلا جسدا له خوار" (۸) برایشان ساخت . حضرت هارون ناظر صحنه بود ولی سخنی نگفت تا آنگاه که حضرت موسی برگشت هارون به برادر گفت : "یا ابن ام لا تاخذ بلحیتی ولا براسی انی خشیت ان تقول فرقت بین بنی اسرائیل" (۹)هارون گفت در حالی که می دیدم سامری بت می‌سازد اما من سخنی نگفتم و اقدامی نکردم زیرا ترسیدم مبادا گفته من میان بنی اسرائیل ایجاد تفرقه کند!بنده به ملاهای خودمان گفتم حضرت هارون ناظر بت سازی و تبلیغات فریبنده سامری بود که به مردم می‌گفت این بت ها خدای آنهاست اما ایشان از بیم ایجاد تفرقه در قوم خود سکوت کرد و چیزی نگفت ؛ولی حالا شما

اگر یک نفر شیعه را ببینید که در نماز تکتف نمی کند فوراً صدایتان به آسمان می رود یا اگر برخی از شیعه ما را به حالت تکتف ببینند فوراً فریادشان بلند می شود! والله این توطئه و درس استعمار است". (۱۰)

همچنین مطالعه بخشی از سخنرانی شیخ شهید در مصلای قدس زاهدان و در جمع نمازگزاران جمعه شیعه گویای عظمت روحی اوست :

"... هر انقلابی دارای دو دوره است یک دوره استقرار دوم دوره استعمار؛ برای مثال ۲۳ سال زمان حیات رسول اعظم (ص) دوره استقرار اسلام است و بعد از فوت آن حضرت دوره استعمار است که وظیفه یاران آن حضرت و وظیفه ائمه دین و علمای عظام است که نظام و نهضت محمدی (ص)را حفظ کنند. در نظام مقدس جمهوری اسلامی هم ۱۰ سال اول در زمان حضرت امام (قدس سره ) زمان استقرار نظام جمهوری اسلامی و بعد از ارتحال حضرت امام دوره استعمار انقلاب اسلامی است ؛و این را بدانید کسانی که در فرج حضرت امام برای استقرار نظام جمهوری اسلامی نفس نفیس خودشان را نثار کردند چه اجری می‌برند شما اگر برای استمرار و بقای وجودی این نظام جهاد کنید و نفس نفیس را نثار کنید یقینا اجرتان کمتر از اجر آنها نیست . باید به این توجه کنید که ما در مقابل استمرار و بقا و دوام این نظام مسئولیت داریم اگر خدای نکرده تغافل کنیم خدای نکرده خیانت کنیم یقینا جزو کسانی هستیم که خداوند در روز قیامت به اشد عذاب آنها را عذاب می‌دهد. در کردستان ما مردم از ابتدای انقلاب پرچم دار این نهضت بوده اند. در زمان حیات حضرت امام (قدس سره ) فرامین ایشان را لیبیک می‌گفتند و در زمان ولایت مقام معظم رهبری همه ما تحت اشاره مقام معظم له هستیم . بارها من به نام مفتی کردستان اعلام کرده ام و امروز هم در این محفل نور اعلام می‌کنم : ما علمای کردستان در عرض رهبری هیچ قدرتی را نپذیرفته و نخواهیم پذیرفت و مشروعیت هر قدرت و مقامی زمانی است که در خط تبعیت از منویات مقام معظم رهبری قرار بگیرد. من استدعا می‌کنم وحدت اسلامی را حفظ کنید اختلافات را کنار بگذارید تمام شیاطین دنیا می‌کوشند که بین جامعه اهل سنت و جامعه اهل تشیع اختلاف به وجود آورند یا دایره اختلاف را وسیع تر کنند. اگر می‌خواهید اخبار شما قلب مبارک رسول اعظم (ص)را شاد کند از هر نوع شکاف و اختلاف پرهیز کنید. همه ما امت حضرت رسول اعظیمیم اگر شما افتخار می‌کنید که شیعه حضرت علی بن ابیطالب (ع) هستید یقین بدارید این دستور رسول اعظم (ص) است که محبت حضرت علی بن ابیطالب ایمان و بغض آن حضرت نفاق و فساد عقیده است . (۱۱) این عقیده ماست من به نام فرزند ایشان هیچ وقت اعلام نکرده ام که ارادتمند حضرت علی بن ابیطالبم ! من کجا و ارادتمندی آن حضرت کجا !من ارادتمند و خاک پای کسانی هستم که مرید حضرت علی بن ابیطالب باشند". (۱۲)

پس از این روی است که مفتی کهنسال شافعی ماموستا دکتر محمد شیخ الاسلام کردستانی مورد حقد و کینه "جنود باطل" (۱۳) قرار می‌گیرد و در شامگاه ۲۷ رمضان المبارک و در یکی از لیالی عظیم قدر( ۱۴ ) با زبان روزه در خانه خدا (مسجد قطب سندج) پس از اقامه نماز مغرب و با اصابت دو گلوله از ناحیه سر به فیض شهادت نائل می‌آید. فرزند شهید از آرزوی پدر به شهادت چنین پرده برداشت که: "شب قبل از حادثه ترور آقای استاندار نزد پدر من آمد و از ایشان خواست تا اجازه دهند برایشان محافظ بگذارند. اما پدرم با این کار مخالفت کرد و اظهار داشت که من غیر از خداوند متعال محافظی نمی‌خواهم و اگر تقدیر الهی چنین باشد که به دست از خدا بی‌خیران به شهادت برسم چه سعادتی بهتر از این . دوست ندارم کسی به خاطر محافظت از من به زحمت یا به خطر

ادامه از صفحه اول

ملا محمد پیش از شروع رسمی گفتگو به ضرورت دوری مسلمین از مناقشه و اختلاف اشاره و از لزوم ارتباط بزرگان شیعه و سنی برای جلوگیری از افراط و تفریط جامعه سخن راند و به عنوان نمونه برخی از مروادات تنگاتنگ خود با علمای اعلام و حوزه های علمیه شیعه را برشمرد از آن جمله فرمود: به دعوت (عالم فرهنگ پرور و مدافع اهل بیت ) مرحوم آیت الله شیخ حسن سعید طهرانی (ره) (۲) به مدت هفت سال در تهران اقامت و در مدرسه امام جواد(ع ) به تدریس دروس حوزوی مشغول شدم . همچنین گفت : حضرت آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی دامت توفیقاته بسیار به بنده لطف و عنایت دارند چنانکه چند بار از من دعوت کردند تا در قم مستقر شوم و در حوزه علمیه تدریس نمایم که بنا به دلایلی اجابت نکردم .

در طول دیدار بارها عظمت مقام بی بدیل عصمت کبری فاطمه زهرا(س) و کریمه اهل البیت فاطمه معصومه (س) بر زبانش جاری شد و هیچگاه فراموش نمی‌کنم که پس از گفتگو و به وقت خداحافظی آن شهید سخنی بر زبان آورد که نشان از عمق ارادت بی‌شائبه و خالصانه ایشان به اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) داشت.

آن مرحوم با صمیمیتی خاص دست بنده را گرفت و فرمود : خواهشی از شما دارم که در مراجعت به قم اگر مقدورتان بود در این ایام به نیابت از بنده و خانم عمه ام بی بی فاطمه معصومه (سلام الله علیها) را زیارت کنید! گرچه این سخن از عالم عامل و بیداری چون ایشان شگفت نیست اما اعتراف می‌کنم که برای آن روز ما تا حدودی غیر منتظره بود.

اهل بیت (ع)مدار وحدت

دیدگاه ارادتمندانه و اعتقادی شهید شیخ الاسلام به اهل البیت (علیهم السلام ) متضمن منطقی ترین قرائت از "وحدت اسلامی" است. تامل در نکات ذیل راهگشا در درک بهتر مسئله مهم "وحدت" است :

۱. سفارش قرآن به گفتگو با اهل کتاب و حتی مشرکین دیگر جایی برای تنازعات موجود میان گروههای مسلمان باقی نمی‌گذارد .

۲.اگرچه بی گمان اختلاف فریقین در اختصاص خلافت پیامبر بهانه نزاع امت اسلام گردید اما اجماع همه گروه ها و شخصیت های منصف اسلامی بر مرجعیت علمی و تفسیری آل البیت (ع) و درک شان و قربایت آن خاندان به حضرت ختمی مرتبت (ص) می‌تواند محور وحدت مسلمین قرار گیرد که البته شهید شیخ الاسلام در عمل از پیشگامان و پیشقراولان تحقق این حقیقت بود؛ چراکه به گواهی تاریخ جهت گیری مکتب علمی و معنوی اهل بیت همواره در راستای تحقق آرمان مقدس وحدت و در خدمت حفظ مصالح مسلمین بوده است چنانکه سخنان خلیفه دوم و ائمه فرقه های اسلامی خود بهترین شاهد این مدعاست .

به نظر می‌رسد رهبران فرق اسلامی باید به منظور تحقق همه جانبه وحدت مسلمین به راهکارهایی چون : تقویت بنیان های علمی و عملی مشترک احترام به اصول و عقاید یکدیگر تقویت روح برادری و همدلی مدیریت بر مجموعه های خود به منظور تنش زدایی و جلوگیری از موج آفرینی جاهلان و یا معاندان شفافیت در مواضع حصر اختلافات فرقه ای در گفتگوهای علمی (توصیه علامه سید شرف الدین ) بستن نگاه تکفیری فرقه های اسلامی بر یکدیگر (توصیه شیخ محمود شلتوت مفتی اهل سنت و آیت الله العظمی بروجردی مرجع شیعه ) حذف مقیاس های غیر قرآنی تفاضل (مقیاس هایی غیر از تقوا مجاهده ...) پرهیز از مسائل فتنه انگیز (حذف مستفزات ) پاسخ علمی به شبهات (البته شبهاتی که با حسن نیت مطرح می‌شوند نه با نیت

## یادمان

بیفتند". (۱۵) بی گمان "شهید مظلوم" (۱۶) ماموستا شیخ الاسلام نام نیک خود را در کتاب "شهدا الفضیله" (۱۷) انقلاب شکوهمند اسلامی به ثبت رساند . دریغ دارم که در این مجال با توجه به عشق و ارادت خالصانه آن شهید به آل البیت (علیهم السلام ) این فراز از پیام امام خمینی (س) را در رثای شهید آیت الله سید محمد باقر صدر در رثای ماموستا شیخ الاسلام ذکر نکنم که فرمود : "شهادت ارثی است که امثال این شخصیت های عزیز از موالیان خود برده اند". (۱۸)

مهودیت از منظر شیخ الاسلام

حسن ختام این اندوهیاد را به نقل جملاتی قصار و گزیده ای از دیدگاه های ارزشمند شهید ماموستا شیخ الاسلام در باب مهودیت و موعودگرایی مندرج در شماره ۵۲ ماهنامه معارف به نام "موعود از نسل فاطمه (س) است" (۱۹)اختصاص می‌دهیم :

فلسفه ایمان به منجی این است که ما استمرار وجودی اسلام را اعتقادا بپذیریم تا اسلام رو به نابودی نرود. به عقیده من ایمان به منجی امید را در قلب های ما می‌پروراند تا خوب بدانیم همیشه پشت سر اسلام و قرآن کسی هست که دوباره اسلام را زنده خواهد کرد. وظیفه قطعی کنونی ما احیای دو مکتب حضرت رسول اعظم (ص) است : یکی "مکتب اعتقادی" آن حضرت ؛یعنی ۱۳سال مکه و دیگری "مکتب عملی" آن حضرت ؛ یعنی ۱۰ سال مدینه . پیغمبر بزرگوار ما در خلال سیزده سال حضور در مکه کارش انسان سازی نشر توحید و مبارزه با شرک و کفر بود و وقتی به دانشگاه مدینه منتقل شد آنجا احکام عملی جاری نمود. کار علمای اسلام در شرایط فعلی هم حفظ مدرسه مکه است ؛ یعنی حفظ اعتقادات توحیدی مردم و هم حفظ مدرسه مدینه ؛ یعنی انجام شاعر مذهبی . پس ما نباید دست روی دست بگذاریم و بگویم حضرت مهدی (عج) تشریف می‌آورد و خود هر دو مکتب رسول الله (ص) را احیا می‌کند!اما باید وظیفه خود را انجام دهیم . هیچگونه شکی در اصل ظهور نیست . حالا من شافعی ها را می‌گویم که خودم از آنها هستم . ما کتاب "شرح عقاید ملاسعد تفتازانی" را به عنوان اولین کتاب درسی کلامی خود می‌خوانیم که متن آن از عمر نسفی و شرحش از ملاسعد است . ملاسعد مسئله حضرت مهدی و مسئله حضرت عیسی را مستوفی می‌آورد. یکی از معتقدات همه طلاب دینی ما آمدن حضرت مهدی (عج) است و این آثار را برای ایشان معتقدیم که جامعه بشری را نجات می‌دهد. وقتی می‌گوییم نجات می‌دهد یعنی منجی است اما ممکن است کلمه "منجی" لغت متعارف و مستعمل بین ما نباشد.

با آن شیوعی که مسئله مهودیت میان شیعه مطرح است در جامعه اهل تسنن مطرح نیست ؛ اما مسئله جالب این است که اگر از من سنی سؤال شود آیا شما معتقدید به اینکه حضرت مهدی می‌آید می‌گویم : بله !وقتی این سؤال از یک بازاری سنی پرسیده شود می‌گوید : بله ؛ ولی چنین نیست که مثلا سالی یک مرتبه جشن ولادت آن حضرت را در ایامی خاص بگیریم چون ما معتقد به متولد شدن ایشان نیستیم اگر چه معتقد به ظهور حضرت در آینده هستیم .

مسئله مهم در بحث مهودیت ولادت نیست ؛ بلکه مسئله مهم "ظهور" آن حضرت است حال اگر عده ای از مسلمین معتقد باشند که فرزند بلافضل حضرت امام حسن عسکری (ع) است چه مشکلی پیش می‌آید ! یعنی اگر این مسئله تحقق خارجی پیدا کرده باشد نه مشکل عقلی پیش خواهد آمد و نه امر محالی است و نه اصطکاکی با اصول اعتقادی دیگر فرقه های اسلامی دارد. اصولا مشکلی نیست و حتی با اصول اعتقادی اهل سنت نه تضادمی دارد و نه تضاریبی .

بعضی از احادیث می‌گویند مهدی موعود از نسل امام حسن مجتبی (ع) است و بعضی تصریح می‌کنند که از نسل امام حسین (ع) است !آن هم برای شخص بنده و برای دنیای اسلام زیاد مهم نیست . بلکه مهم

ظهور آن حضرت است و کارهایی که ایشان انجام می دهد و اینکه آثار رسالت حضرت رسول اعظم (ص)به وسیله حضرت مهدی (عج)مجددا احیامی شود و دنیا انشالله مملو از برکات اسلام ناب محمدی خواهد شد.
اگر حضرت مهدی (ع) آمد بنده به ایشان عرض خواهم کرد که : من فرزند شما هستم و ما اختلاف داشتیم که حضرت تعالی فرزند کدام بزرگوار هستید قطعاً ایشان می فرماید که آنچه مهم است قیام من است بیاید پشت سر من و در قیام شرکت کنید انشالله .

مدار اعتقاد جمیع علمای اسلامی بر این است که حضرت مهدی (عج) قطعاً از نسل فاطمه زهرا(سلام الله علیها) است قطعاً یا از نسل امام حسن (ع) می باشد یا از نسل امام حسین (ع) و تجاوز به شخص ثالث خلاف تواتر است .

من می توانم این مژده را به انسان های زمان ظهور بدهم که انشالله مشاهده خواهند کرد مغرب و مشرق و جنوب و شمال تحت رایت محمد المصطفی (ص)در می آید چراکه این را احادیث به ما می گویند.
ما اکنون بلادی داریم که زیر پرچم مسیحیت است مناطقی زیر پرچم یهودیت هست ذوق و عقل و نقل به من می گویند چون حضرت مهدی (عج) بیاید انشالله تمام جامعه بشری زیر پرچم اسلام قرار می گیرد؛ ظاهر حدیث هم روشن است : ` و انه یملأ الارض ` و نفرموده است که بعضی از مناطق زمین من نمی توانم قبول کنم که برای تحقق حکومت

## یادمان - تحلیل

جهانی حضرت مهدی (عج)نظام علیت و معلولیت از بین برود؛ چون نظام علی و معلولی برای هیچ پیغمبری به هم نخورد؛ همچنانکه در تاریخ داریم که سنگی به دندان پیغمبر اصابت کرد و دندان مبارک ایشان شکست !شمشیری بر فرق حضرت علی (ع)اصابت کرد و حضرت به شهادت رسید!بنده معتقدم در هنگام ظهور خدا قلب مردم را متوجه آن حضرت می کند.

**پی نوشت ها :**

۱. المومن بشره فی وجهه و حزنه فی قلبه اوسع شیی صدرا و اذل شیی نفساً ؛نهج البلاغه حکمت :۳۳۳
۲. آیت الله شیخ حسن سعید تهرانی (متولد در حدود سال ۱۲۹۶ ش و متوفی ۱۳۷۴ ش) نواده آیت الله العظمی حاج میرزا مسیح مجتهد تهرانی از مراجع دوره قاجار و فتوا دهنده قتل گریبایدوف سفیر کبیر روسیه در تهران بود. وی در تهران به تدریس فقه و اصول و تفسیر وعظ و ارشاد تالیف چاپ و نشر کتابهای دینی و تاسیس بنای کتابخانه و مدرسه چهلستون و گنجینه قرآن پرداخت .اصول دین خدا و مهدی ولایت فقیه رهاورد غدیر و دهها اثر دیگر از آثار این عالم فرزانه است . این عالم ربانی در ۷۸ سالگی در تهران رحلت کرد و در شیخان قم دفن شد.
۳. در تاریخ ۱۳۸۸۷۲
۴. خبرگزاری فارس .
۵. منظور نامگذاری سال ۱۳۸۶ به سال `اتحاد ملی و انسجام اسلامی` است .

۶. آل عمران ۱۰۳.
۷. اشاره به آیه : ` و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیمم عجلاً جسداً له خوار `۱۴۸اعراف .
۸.اعراف ۱۴۸.
۹. طه ۹۴.
۱۰. `موعود از نسل فاطمه (س) است` ماهنامه معارف شماره ۵۲دی ماه ۱۳۸۶صص ۱۸. ۲۲
۱۱. `حب علی ایمان و بغضه کفر` بحارالانوار ج ۳۹ ص ۱۹۳ ح. ۳
۱۲. بخشی از سخنرانی ماموستا شیخ الاسلام در مصلای قدس زاهدان در جمع نمازگزاران جمعه تشیع سال ۱۳۸۶
۱۳. تعبیر مقام معظم رهبری در پیام تسلیت به مناسبت شهادت ماموستا شیخ الاسلام که فرمود: `آن مرد شریف و خدوم پس از ده ها سال دفاع صریح از حق به دست جنود باطل به شهادت رسیده است ` .
۱۴. یکی از شب های محتمل قدر به روایت امامیه و محتمل ترین شب قدر به روایت اهل سنت .
۱۵. خبرگزاری فارس .
۱۶. تعبیر مقام معظم رهبری در پیام تسلیت شهادت ماموستا شیخ الاسلام .
۱۷. کتابی است از علامه نائینی در بزرگداشت علمای شهید تاریخ شیعه .
۱۸. پیام امام خمینی به مناسبت شهادت آیت الله سید محمد باقر صدر. ۲۲. ۱۳۵۹

# چرایی شکست غرب در فهم پدیده‌های انقلابی

**سیف دena - الاخبار(لبنان)**

می‌کند که این آیه برای همین مناسبت نازل شده است و در نتیجه می توانید تجلیاتی از فرهنگ‌سازی مقاومت را در تاریخ چند دهه خود مشاهده کنید.

اما هنگامی که از حدیث مشهور آلا و أن الدعی ابن الدعی قدر رکز بین اثنتین بین السلة و الدلة، هیات منا الدلة” برای توصیف دشمن و راهکارهای مطرح شده استفاده می‌کند، به وضوح می‌توان تأثیر شعارهای انقلابی مقاومت را بر جوامع عربی مشاهده کرد. به‌خصوص هنگامی که سید حسن نصرالله از این حدیث در توصیف جنگ نابرابر اسرائیل علیه غزه استفاده کرد، توانست با مهارتی عالی همه تاریخ منطقه را در جنگ اسرائیلی‌ها علیه فلسطینی‌ها بکار بگیرد. استفاده از اصطلاح اُهن من بیت العنکبوت” که بر گرفته از آیه قرآنی است و در دشمن مشترک همه جهان اسلام است، در واقع بخشی از تلاش مقاومت برای فرهنگ‌سازی مقاومت و برای فرهنگ‌سازی مراحل بعد از مقاومت است. تا آنجا که این سه کلمه در وجدان مردم منطقه خلاصه‌ای از تاریخ مقاومت را شامل شده است. همین سه کلمه توانست اصطلاح آسپوره ارتش شکست‌ناپذیر” که در جنگ ۱۹۶۷ بوجود آمد را یک باره و برای همیشه باطل سازد. اسراییل در آن زمان توانست ترس از ارتش خود را در دل مردم منطقه ریشه دار کند؛ ولی مقاومت به این امر بسنده نکرده و طی افتخار آفرینی که در پیروزی‌های ۲۰۰۶ به دست آمد از این مرحله نیز فراتر رفته و توانست امکان استمرار رژیم صهیونیستی را در دل شهروندان خود اسرائیل نیز مشکوک معرفی نماید.

این امر بدون شک تأثیر بسیار زیادی بر محیط اطراف داشته که ما آن را می‌توانیم ابتدا در انتفاضه دوم مشاهده کنیم و سپس می‌توانیم در پیروزی حماس در انتخابات ۲۰۰۶ مشاهده کنیم که در آن زمان فلسطینی‌ها از فساد خودی‌ها و سلطه فلسطینی در رنج بوده و سازمان آزادیبخش فلسطین فکر می‌کرد می‌تواند با تجارب و تاریخ گذشته خود برای همیشه مردم را فریب بدهد.

از طرف دیگر ما شاهد گسترش تئولیرالی” در کشورهای عربی منطقه بودیم که بخش زیادی از مردم جامعه به طبقه محرومین و مظلومین تبدیل شوند. در سخنرانی خانه عنکبوت تلاش شد این طبقه مورد خطاب قرار گرفته و بر اساس فرهنگ‌سازی، وجدان جمعی آنها تحریک شود؛ در حالی که جنبش‌های

ناسیونالیستی آزادی‌بخش عربی و جنبش‌های انقلابی فلسطینی در اوج خود نتوانستند وجدان مردم منطقه را چنین مورد خطاب قرار دهند. علت این امر این است که جان‌فشانی این جنبش‌ها به اندازه کافی نبوده و در جنبش خود به نظریات انقلابی متناسب با فرهنگ محلی و منطقه‌ای خود اعتماد نکردند. این بی‌توجهی به سنن ملی و محلی، مسئله‌ای فراتر از پارادوکس تئوری و عمل و پارادوکس هگلی تئوری محض است. در نتیجه جوامع عربی به دنبال این همه ضعف‌ها، شکست‌ها و ذلت‌ها می‌تواند افتخار کند که پدیده‌ای مانند حزب‌الله را به وجود آورده است. در نتیجه می‌توان به این نتیجه رسید که برخلاف گفته ناهض حتر، این جنبش‌ها توانسته انقلابی بودن را در زمینه یک طرح اسلامی و یک برنامه همه جانبه مطرح کنند. حتی این موضوع اثباتی است که ادعای مطرح شده مبنی بر غیر انقلابی بودن طرح‌های اسلامی نیز فاقد صحت است.

جدایی جنبش‌ها از گذشته و تاریخ خود یک مفهوم وصفی و توضیحی است و هویت واقعی نداشته و برای همین است که مارکسیست‌های عربی خود را مارکسیستی عرب معرفی می‌کردند، در حالی که بر اساس نظریه جدایی این جنبش‌ها از تاریخ خود، می‌بایستی خود را فقط مارکسیست می‌خواندند.

حتی خیلی از مفاهیم اسلام که اوج انقلابی‌گری و تغییر و تحول را در زمان خود به همراه داشت نیز برگرفته از واقعیت‌ها و تاریخ “جزیرهٔ العرب” بوده است. در واقع انقلاب‌ها در زمینه‌های خود صورت می‌گیرند. حتی در مورد حزب‌الله نیز نمی‌توان مقاومت را بدون توجه به تجربیات جنبش‌های ملی گرا و عربی گرا در آن زمان مورد توجه قرار داد.

اصطلاح اسلام انقلابی، یک اصطلاح ماهوی نیست بلکه تنها برای شناخت اختلافات جریان‌های اسلام گرا از یکدیگر است. در این راستا نبود نظریات و اندیشه‌های سیاسی محلی و منطقه‌ای که نشأت گرفته از محیط عربی و اسلامی باشد، نه تنها بر گرفته از شکست تجارب انقلابی جنبش‌های عربی عموماً و جنبش‌های فلسطینی خصوصاً است (که در تاریخ سازمان آزادیبخش فلسطین نمود یافت)؛ بلکه ناشی از ارزیابی غیر دقیق از تاریخ حزب‌الله است که شناخت اشتباهی را از این تجربه گران‌بها بوجود آورده است. برداشت غیر دقیق از طرح‌ها و اندیشه‌های سیاسی اسلام و از خود اسلام باعث شده

. ۱۹ گزیده ای از : ` موعود از نسل فاطمه (س) است ` ماهنامه معارف شماره ۵۲ دی ماه ۱۳۸۶ صص ۲۲. ۱۸
همواره تکیه کلامش `وحدت` و `پرهیز از تفرقه` بود.

او به ضرورت دوری مسلمین از مناقشه و اختلاف و لزوم ارتباط بزرگان شیعه و سنی برای جلوگیری از افراط و تفریط در جامعه سخن می‌راند. بارها عظمت مقام بی بدیل حضرت فاطمه زهرا(اس) و کریمه اهل بیت فاطمه معصومه (س) بر زبانش جاری می‌شد و سخنان او نشان از عمق ارادت بی شائبه و خالصانه ایشان به اهل بیت عصمت و طهارت داشت .

شهید شیخ الاسلام معتقد بود :

هیچ گونه شکّی در اصل “ظهور” نیست .

فلسفه ایمان به “منجی” این است که ما استمرار وجودی اسلام را بپذیریم .

آثار رسالت حضرت رسول اعظم (ص) به وسیله حضرت مهدی (عج) مجددا احیا می‌شود و دنیا مملو از برکات اسلام ناب محمدی خواهد شد.

مدار اعتقاد جمیع علمای اسلامی بر این است که حضرت مهدی (عج) قطعاً از نسل فاطمه زهرا(س) می‌باشد. قطعاً از نسل امام حسن(ع) و امام حسین(ع) می‌باشد.

**منبع : جمهوری اسلامی**

**سیدمجتبی مجاهدیان**

که جوامع غربی متحمل شکست عملی سنگینی در زمینه شناخت خود از جوامع غیر غربی شوند. در همین راستاست که باید یادآوری نمود تصویری که غربی‌ها از اسلام و جنبش‌های اسلامی دارند، بر گرفته از تصویری است که از مردم منطقه دارند، در حالی که برای شناخت اسلام و جنبش‌های اسلامی باید از چشمان خود مردم منطقه آن را مورد ارزیابی قرار داده و بشناسیم.

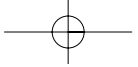
در شرق زمین این شکست غربی‌ها را در شناخت جنبش‌های اسلامی در سه بعد می‌بینند:

بعد اول: سلطه مطلق نظریات علوم اجتماعی و انسانی غرب بر شناخت آنها از پدیده‌های شرقی. متاسفانه دانشگاه‌های ما علی‌رغم تلاش‌های مستمر نتوانستند از این سلطه نظریات غربی در علوم اجتماعی خارج شوند. همین امر کافی است که بدانیم ذکر نام آمریکایی به دانشگاه‌های داخلی باعث می‌شود اعتبار علمی این دانشگاه بالا برود و در نتیجه می‌توان گفت که این مجموعه ارزش‌های نظریات غربی باعث می‌شود جنبش‌های مقاومتی همانند حزب‌الله در جایگاه دشمن جای بگیرند.

بعد دوم: پذیرش بدون چون و چرای مدرنیسم غربی و یا نقد عمومی این نظریه بدون توجه به جلوه‌های غیر غربی این وضعیت. در سایه نبود تحلیل اسلامی و بومی برای ارزش‌های مدرن، نباید توقع داشت که نتیجه ارزیابی غربی‌ها از جنبش‌های اسلامی چیزی جز شکست باشد.

بعد سوم: بی‌توجهی به تجارب انقلابی در محیط‌های اسلامی و غربی گذشته در راستای فهم تجارب انقلابی آینده. به عنوان مثال تلاشی نشده که از نوشته‌های “مفادی زکریا” شاعر الجزایری که بسیاری از تجربیات انقلاب الجزایر را بیان کرده، استفاده بشود. حتی مشاهده شده که در کنفرانس‌های جنبش دمکراتیک، سعی شده کتاب فوکویاما در مورد نظریه پایان تاریخ تجزیه و تحلیل شود؛ در حالی که می‌توانست در این کنفرانس به نوشته‌های مهم دانشمندان اسلامی توجه نمایند.

همین برداشت غیر دقیق از طرح‌ها و اندیشه‌های سیاسی اسلام و از خود اسلام با توجه به این ابعاد سه‌گانه باعث شده که جوامع غربی، متحمل شکست عملی سنگینی در زمینه شناخت جوامع غیر غربی بشوند.



## دایرةالمعارف نگاری در جهان اسلام

**نرگس نشاط**

در جهان اسلام به روش نوین تهیه شده است و بیشتر بر دایرةالمعارف امریکانا (چاپ دوم) مبتنی است و بخش های مربوط به ادبیات عرب و اسلام را خودِ بستانی و همکارانش بر آن افزوده اند.

دایرةالمعارف بستانی در سال ۱۹۵۶ مورد تجدیدنظر فؤاد افرام بستانی، رئیس دانشگاه لبنان، و گروهی از علمای لبنان قرار گرفت و برخی حذف و اضافات در آن به عمل آمد. متن بعدی دایرةالمعارف القرن العشرين محمد فرید و جدی (۱۹۵۴-۱۸۷۵)ست که بیش از دایرةالمعارف بستانی صیغه دینی دارد و برای نخستین بار در سال‌های ۱۹۱۸-۱۹۱۰ در ده جلد منتشر شد.

از دیگر دایرةالمعارف های جهان اسلام می‌توان از دستورالعلما اثر عبدالنبی احمد نگری (۱۱۷۳ق.)، مطلع العلوم و مجمع الفنون اثر واجد علیخان و کشف اصطلاحات الفنون اثر علی تهانوی الهندی الحنفی (۱۱۵۸ق) و نیز کشف الظنون حاج خلیفه (۱۰۶۷-۱۰۱۷ق) نام برد. کتاب اخیر فهرستی به زبان عربی از نام کتاب‌های فارسی و عربی و ترکی تا زمان مؤلف است و در آن تعاریفی از علوم مختلف نیز ارائه شده است. حاجی خلیفه برای تألیف این اثر بیست سال وقت صرف کرده است.

دایرةالمعارف های دیگری نیز در جهان اسلام منتشر شده که دایرةالمعارف آریانا در افغانستان و ترجمه های مختلفی از دایرةالمعارف اسلامی چاپ اروپا از آن جمله اند.

دایرةالمعارف اسلام نخستین بار در سال‌های ۱۹۳۶-۱۹۱۴، در چهار جلد به زبان های انگلیسی، فرانسوی، و آلمانی، تحت نظارت شرق شناسانی چون هوتسما، آرنولد، باسه، هارتمان، و دیگران ... و با همکاری محققانی چون نیکلسون، بارتولد، بروکلمان، ماسینیون، و مینورسکی منتشر شد. این دایرةالمعارف شامل مطالبی در زمینه های جغرافیا، تاریخ، نژادشناسی، عقاید، مذاهب، و شرح حال مشاهیر اسلامی است. تألیف این اثر با غفلت هایی همراه بوده است و ایراد مهم و آشکار آن نادیده گرفتن مذهب تشیع و فرهنگ و تمدن ایران و توجه فراوان به ملل ترک زبان بوده است. در سال ۱۳۱۳ش/۱۹۳۴م نخستین جلد از اثری هفت جلدی به نام دایرةالمعارف های الاسلامیه ایران و معارف شیعه امامیه اثنی عشریه، تألیف عبدالعزیز (صاحب جواهر) به زبان فارسی انتشار یافت. مؤلف، این اثر را به قصد رفع ایرادهای بسیاری که در ترجمه عربی دایرةالمعارف اسلام نسبت به تاریخ ایران و فرقه امامیه شده و در کل، برای زدودن زنگار غفلتی که در بیشتر آثار شرقی و غربی نسبت به آثار و مآثر شیعه امامیه روا می شده، تألیف کرده است. گردآوری این مجموعه شش سال به طول انجامیده است.

دانشمندان ترکیه نیز در دهه ۱۹۵۰ دایرةالمعارفی با نام تُورک آنسیکلوپدیسی منتشر کردند و در دهه ۱۹۶۰ استانبول آنسیکلوپدیسی را فراهم آوردند که علاوه بر مقالات و مدخل های مربوط به بناها و آثار دوره عثمانی، اطلاعاتی به زبان ترکی و با خط لاتینی ارائه شده است.

در سالهای اخیر نیز دایرةالمعارف های گوناگون در کشورهای اسلامی منتشر شده یا در حال انتشار است که موسوعهالدول الاسلامیه (کویت، ۱۹۸۹) و الموسوعه الفقهی (کویت، ۱۹۹۰) از آن جمله است. در باب اثر نخست باید گفت که این اثر درباره اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی و مشکلات کنونی جهان اسلام است و به سه زبان عربی، انگلیسی، و فرانسوی چاپ شده است.

دایرةالمعارف نگاری در ایران

کهن ترین دایرةالمعارف در ایران را می‌توان دینکرت، متن دینی زردشتی به زبان پهلوی، دانست که در قرن دوم و سوم هجری در نه جلد تدوین شده است. این کتاب اطلاعات دینی و آداب و عقاید و روایات و ادبیات

### نظرها و اندیشه‌ها

مزدیسنا را در اختیار می گذارد و از نظر آشنایی با روایت‌های تاریخی، دینی، ملی، و علمی ایرانیان در عهد ساسانیان و در قرن اول هجری مأخذ مهمی به شمار می‌رود.

در نخستین سده های پس از اسلام، جلوه های تفکر ایرانی در حوزه علوم با استفاده از زبان عربی بیان می‌شد؛ ولی از زمانی که زبان فارسی به عنوان زبان نوشتاری علمی شناخته شد (اواخر قرآن ۳ق/قرن ۹م)، ایرانیان توانستند با ترجمه کتب عربی به زبان فارسی، فن دانشنامه نگاری را که خود در به وجود آوردن آن سهمی بسزا داشتند، به قلمرو فرهنگ فارسی باز گردانند. ظهور دایرھالمعارف فارسی به اوایل قرن ۱۷ق/۱۷م بازمی گردد. هدف اصلی مؤلفان این متون تلخیص متون عربی و تبدیل آنها به آثاری در سطح فهم عامه و کسانی بوده که زبان عربی نمی دانسته‌اند. با این همه، می‌توان نوعی بدعت در کار مؤلفان دایرھالمعارف به زبان فارسی مشاهده کرد؛ یعنی نویسندگان در حین ترجمه، سنت ها و آداب منطقه خود را در اثر می گنجانند و بدین ترتیب علم صیغه ملی و محلی به خود می گرفت.

مجموعه های چند رشته ای زبان فارسی که توسط ایرانیان تهیه شده، نمونه های بارز و برجسته ای از طبقه بندی علوم درجهان اسلام و ایران را عرضه می کند. در این طبقه بندی، تقسیم علوم به دو گروه علوم اسلامی و علوم فلسفی یونانی انجام گرفته است. علوم اسلامی، به معنای اعم آن، شامل زبان شناسی، ادبیات عرب، تاریخ، و علوم شرعی است و علوم فلسفی شامل فلسفه یونان، روم، هند، و ایران است.

مفاتیح العلوم خوارزمی (۳۸۷ق) دایرھالمعارف گونه ای است که با طبقه بندی علوم به دو بخش، علوم اسلامی و علوم فلسفی یونانی را مورد بحث قرار داده است.

در سال های ۳۴۴ - ۳۲۷ ق، شیعیان مزیعون جوامع العلوم را نگاشته است که دارای دو بخش مجزاست؛ اما این بخش ها فاقد عنوان هستند. بخش نخست: نحو، آداب دبیران، خط، بایگانی، انشاء، مکاتبات، خراج، هندسه، آداب ملوک، و جز آن؛ و بخش دوم: علوم سیاسی، فن حکومت، طبقات اجتماعی، اقلیت های مذهبی، تدبیر منزل، فقه، جلدل، علوم خُفیه و مانند آن را دربرمی گیرد. دانشمند دیگر قرن چهارم، ابونصر فارابی (۲۶۰ - ۳۳۹ - ق) است که با تألیف احصاءالعلوم گونه دیگری از دایرھالمعارف ارائه داد.

از دایرھالمعارف های قرن پنجم می‌توان به کتاب شفا (۴۲۳ - ۴۲۱ق) این سینا اشاره کرد. در این اثر، این سینا تقسیم چهارگانه ارسطویی را برای تقسیم علوم مورد استفاده قرار داده است که عبارت اند از: منطق، طبیعیات، ریاضیات، و الهیات. در دانشنامه علایی (۴۲۸ - ۴۱۴ق)، این سینا ریاضیات را به دو بخش: هیئت و موسیقی تقسیم کرده است.

وی با نوشتن این اثر، نخستین بار، مضامین فلسفی را وارد زبان فارسی کرده است. نژت نامه علایی (۵۱۳-۵۰۶ق) دایرھالمعارف گونهٔ دیگری است که توسط شاهمردان ابن ابی الخیر رازی به رشته تحریر درآمد. این اثر را نخستین دایرھالمعارف از این نوع، یوایقب العلوم و دراری النجوم است که توسط نویسنده ای ناشناخته از اهالی قزوین و قبل ازسال ۵۷۳ق به رشته تحریر درآمده است. بحرالفوائد (۵۵۷ - ۵۵۲ق) دایرھالمعارف گونهٔ دیگری است که شامل دو بخش: مباحث مربوط به اسلام و مباحث مربوط به اخلاق است. نویسنده این اثر نیز شناخته شده نیست. دایرةالمعارف دیگری که در سال ۵۸۰ق توسط ابوبکر المطهر جمالی یزدی نگاشته شد فرخ نامه نام دارد. این اثر دوبار نگارش یافته است؛ نخستین نگارش آن شانزده فصل دارد؛ اما در نگارش دوم، نویسنده آن را در هشت فصل تلخیص کرده است. این اثر مقام خاصی به علوم نجوم، به عنوان علم پیشگویی داده است. دو کتاب نژت نامه و فرخ نامه از بسیاری

### ایمان

جهات منابع مهمی برای مطالعه روحیات ایرانیان در دوره پیش از مغولان به شمار می‌رود. نوادرالتبادر لئحفه البهادر دایرھالمعارف گونه ای در علوم طبیعی است که در سال ۶۹۹ق توسط شمس الدین دنیسری به فارسی نگاشته شده است. از این اثر نسخه بازنویسی شده ای با عنوان نوادرالادوار لئخرانۂ نورالانوار موجود است که گویا به خط نویسنده است و به شخص دیگری پیشکش شده است.

عجایبالمخلوقات (۵۷۳ - ۵۶۲ق) اثر محمدبن محمودبن احمد طوسی سلمانی، دایرھالمعارف گونهٔ دیگری درحوزه علوم طبیعی است. ویژگی این اثر، عجیب بودن مطالب و ساختار ادبی آن است که در سراسر جهان اسلام در قرون وسطی بسیار رایج بوده است. ساختار آن بر پایه طبیعیات ارسطویی استوار شده؛ ولی محتوای آن چندان علمی نیست و به جز نقل قول هایی از پیامبر اسلام(ص) و برخی حکایت‌های تاریخی، نویسنده به توصیف جهانی خیالی پرداخته است. این اثر مملو از حکایات مختلف است و به همین سبب منبع با اهمیتی برای مطالعه ادبیات عامه ایران به شمار می‌رود. هیچ یک از این آثار را نمی‌توان دایرھالمعارف به مفهوم دقیق و علمی آن دانست، بلکه بیشتر برای سرگرم کردن خوانندگان عادی تألیف شده‌اند.

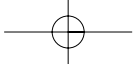
کهن ترین متن فارسی که بر مبنای طرحی علمی شکل گرفته جامع العلوم (۵۷۵ - ۵۷۴ق) فخر رازی (۶۰۶؟-۵۴۴ق) است. این اثر که مجموعه ای از علوم عقلی و نقلی است، خطاب به خدمتگزاران درباری نوشته شده تا بتوانند به کمک آن، کتاب هایی در رشته های مختلف علوم تألیف کنند. چون در این اثر به شصت علوم پرداخته شده آن را کتاب ستینی نیز خوانده‌اند. پس از جامع العلوم، معروف ترین عنوان حدائق الانوار فی حقایق الاسرار است. از دایرھالمعارف رازی سه نسخه باقی مانده است که بسته به تعداد علوم جمع آوری شده، با هم تفاوت دارند. این کتاب به سبب غنا و تعدد موضوعات بررسی شده، الگوی بسیاری از دایرھالمعارف های بعدی قرار گرفته است.

در سال ۷۴۰ق، نفایس الفنون فی عرائس العیون توسط شمس الدین آملی (۷۵۳ق) نگاشته شد. وی برای نگارش این اثر به بررسی بیش از صد رشته علمی پرداخته و آنها را به دو گروه: علوم اسلامی و علوم فلسفی تقسیم کرده است. آملی در این اثر از طرح جامع العلوم پیروی کرده است. وی سعی در جمع آوری کلیه علوم زمان خویش داشته؛ اما نخستین نویسنده ای است که تقسیم بندی دانش به سلسله مراتب علوم اصلی و فرعی را مورد تردید قرار داده و برداشت نوینی از علم داشته است.

به پیروی از جامع العلوم، کتاب دیگری به نام ریاض الابرار یا کتاب التسعینی (۹۷۹ق) توسط حسین عقیلی رستم‌داری تألیف و تدوین شد. این اثر با دیپاچه ای بلند به نام ریاض الابرار آغاز شده؛ اما در متن چند جا به کتاب تسعین در برابر جامع الستین رازی اشاره شده است. کتاب دیگر دانشنامه شاهی است که محمد امین بن محمد شریف استرآبادی (۱۰۳۳ق) به پیروی از جامع العلوم نگاشته است.

دایرةالمعارف نگاری با معیارهای امروزی در ایران از سال ۱۳۱۷ ش آغاز شد. دراین سال، سعید نفیسی به تهیه کردن فرهنگنامه ای مشتمل بر لغات فارسی و اعلام ایرانی و خارجی پرداخت؛ اما با شروع جنگ جهانی دوم این کار متوقف گردید. در سال ۱۳۲۴ش، با تصویب ماده واحده ای در مجلس شورای ملی، مقرر گردید لغت نامه دهخدا منتشر شود. به همین سبب، سازمان لغت نامه تأسیس شد و کار آن از سال ۱۳۲۵ ش آغاز گردید و سرانجام تدوین آن با نشر آخرین جزوه در سال ۱۳۶۰ - ۱۳۶۰ش پایان یافت. در سال ۱۳۲۷ ش، سیدحسن تقی زاده تصمیم گرفت دایرھالمعارف اسلام را که در هلند چاپ می‌شد، به فارسی ترجمه و منتشر کند. برای انجام این کار،





## په‌لانی

غلامحسین صدیقی و عباس زریاب خوبی دعوت به کار شدند، اما این کوشش نافرجام ماند.

در سال ۱۳۳۳ ش برای نخستین بار در ایران، غلامحسین مصاحب کوشش کرد تا نظامی را برای مراحل و مسائل مختلف مربوط به دایره‌المعارف از قبیل ضبط عناوین، تنظیم مقالات، ضبط تلفظ‌ها، علائم اختصاری، سجاوندی، ارجاعات و جز آن به وجود آورد. دایره‌المعارف فارسی مصاحب با توجه به دقت علمی و شیوه تنظیم مطالب، آغاز تحولی در تاریخ دایره‌المعارف نویسی در ایران به‌شمار می‌رود.

در سال‌های ۱۳۴۳ - ۱۳۴۲ش، کتاب ایران‌شهر با مطالب اختصاصی درباره ایران چاپ و منتشر شد. در سال ۱۳۴۸ ش، بار دیگر ترجمه دایره‌المعارف اسلام آغاز گردید و چون کاستی‌های زیادی درباره ایران و مذهب تشیع داشت، تعدادی از مقالات دوباره تألیف و تدوین شد و سرانجام با نام دانشنامهٔ ایران و اسلام منتشر گردید. این اثر دایره‌المعارفی در تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، از کهن‌ترین ایام تا دوران معاصر، و حاوی مقالات تحقیقی در شرح اعلام تاریخی و جغرافیایی و مباحث علوم و نیز اصطلاحاتی است که روشنگر فرهنگ ایران و کشور

اسلامی در طی تاریخ است. پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، تدوین چندین دایره‌المعارف آغاز شد. از سال ۱۳۶۰ هیأت امنای بنیاد اسلامی طاهر در قم به فکر تدوین دایره‌المعارفی از معارف و فرهنگ شیعه افتاد و با دعوت از فضلا و دانشمندان به این کار مبادرت ورزید. سرانجام جلد اول دایره‌المعارف تشیع در سال ۱۳۶۶ انتشار یافت. این دایره‌المعارف قریب به بیست هزار مقاله تألیفی دارد که به قلم متخصصان موضوعی نگاشته شده است. به مناسبت‌هایی عناوین و مدخل‌های غیرشبیعی نیز در این دایره‌المعارف آمده است. دایره‌المعارف دیگر دانشنامه جهان اسلام است که توسط بنیاد دایره‌المعارف اسلامی تدوین گردیده و تاکنون چندین جلد از آن انتشار یافته است. در سال ۱۳۶۷نخستین جلد دایره‌المعارف بزرگ اسلامی زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی منتشر شد. این کتاب، دایره‌المعارفی تخصصی و منحصر به جهان اسلام است. مقالات آن مشتمل بر موضوعات: علوم قرآنی، اصول عقاید، کلام، فقه، حدیث، درایه، رجال، اخلاق، ادیان، ملل و نحل، منطق، ادبیات، هنر، مردم‌شناسی، معماری، ریاضیات، نجوم، تاریخ،

## نظرها و اندیشه‌ها

جغرافیا و طب است. از این دایره‌المعارف تاکنون چندین جلد به چاپ رسیده است.

در سال ۱۳۷۵ نیز، دانشنامهٔ ادب فارسی به کوشش حسن انوشه به چاپ رسید. این دانشنامه، دایره‌المعارفی موضوعی است و هرآنچه به ادب فارسی مربوط است، در این دانشنامه مدخلی دارد. جلد یکم این دایره‌المعارف حدود آسیای مرکزی را در بر می‌گیرد و جلدهای دیگر به ترتیب شامل: فرهنگنامه ادبی فارسی، ادب فارسی در افغانستان، و ادب فارسی در شبه قاره هند است. تدوین جلدهای دیگر این مجموعه همچنان ادامه دارد:

دایرة المعارف نگاری برای کودکان

تدوین دایره‌المعارف برای کودکان و نوجوانان در ایران سابقه چندانی ندارد. نخستین گام در این راه انتشار فرهنگنامه بود که مؤسسه فرانکلین در ۱۸ جلد (۱۳۴۶) منتشر کرد. این اثر ترجمه‌ای از مجموعه کتاب‌های طلایی از برتاموریس پارکر است. این فرهنگنامه نزدیک به هزار و پانصد مقاله در زمینه‌های مختلف علمی، ادبی، تاریخی، جغرافیایی، و جز آن را در شانزده جلد گرد آورده است؛ که یک جلد خاص ایران و یک جلد دانستی‌های روز به آن افزوده شده و

# مروری بر گذشته و امروز "دانشگاه الازهر"

ضمن آموزش‌های دانشگاهی خود گنجاند.

ساختار سازمانی الازهر

طبق تصویب دولت در سال ۱۹۶۱ الازهر به عنوان مجموعه‌ای علمی و اسلامی مسئول حفاظت و ترویج میراث اسلامی است و ساختار آن به شرح ذیل است: شورای عالی الازهر متشکل از امام الازهر یا شیخ بزرگ به عنوان رئیس شورا، قائم مقام الازهر یا معروف به وکیل الازهر، رئیس دانشگاه، دبیرکل مجمع پژوهش‌های اسلامی، مشاور حقوقی، دبیرکل شورای عالی.

سازمان‌های تحت پوشش الازهر عبارتند از:

کتابخانه: در سال ۱۸۹۶ م و در زمان شیخ‌عبده تأسیس و دارای نیم میلیون نسخه کتاب و بیش از ۴۰۰۰۰ کتاب خطی نادر است که دومین کتابخانه بزرگ مصر است.

کمیته فتوی: در سال ۱۹۳۵ میلادی به دستور شیخ مصطفی المامقی تأسیس گردید که متشکل از ۱۲متخصص در زمینه مذاهب چهارگانه فقه اهل سنت است.

مجله الازهر: نشریه‌ای است که فعالیت‌های الازهر از جمله فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی و دینی آن را معرفی می‌نماید.

پژوهشکده علوم و تحقیقات اسلامی و مدیریت عالی تحقیقات: مسئولیت این پژوهشکده انجام تمامی امور تحقیقاتی مربوط به مباحث اسلامی و نظارت بر چاپ و نشر و تدارک کنفرانس عالی سالانه است.

اداره مرکزی مؤسسات الازهر: مسئولیت نظارت بر امور آموزش و مناطق و خدمات و اداره کل امور قرآن و خدمات به دانشجویان داخلی و خارجی را برعهده دارد.

اما دانشگاه نوین الازهر که مشتمل به ۱۴ دانشکده است نیز در سال ۱۹۶۱ میلادی تأسیس گردید که دانشکده‌های آن عبارتند از: دانشکده‌های فقه و قانون اسلامی، الهیات اسلامی، زبان عربی، مقالات عربی و اموی، دعوت اسلامی، اقتصاد، آموزش و پرورش، زبان و ترجمه، علوم، روانشناسی، دندانپزشکی، مهندسی، کشاورزی، پزشکی. این دانشگاه ارتباطات گسترده‌ای را با مراکز علمی و دینی جهان اسلام از تمامی مذاهب داراست.

الازهر و تقریب مذاهب

در نیمه نخست قرن بیستم با تلاش‌های آیت‌الله العظمی بروجردی و به ابتکار مرحوم علامه آقای شیخ محمد تقی قمی و همیاری علمای الازهر در رأس آنان شیخ محمد شلتوت، شیخ آن‌زمان الازهر در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی مرکزی به نام دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه تأسیس گردید که همان موقع مجله‌ای را به نام رسالهٔ الاسلام منتشر می‌نمود که به طور مطلق

جمعاً به هیجده جلد رسیده است.

متن دیگری در سال ۱۳۵۰، با نام دایره‌المعارف خردسالان توسط مهرداد مهرین منتشر شد، این کتاب - به گفته مؤلف آن - نخستین دایرهٔ‌العمارفی است که در ایران برای خردسالان تألیف شده است. در این اثر تلاش شده است که مطالب خواندنی ویژهٔ خردسالان ارائه شود؛ اما بیشتر، مجموعه‌ای از اطلاعات عمومی است نه دایره‌المعارف به مفهوم دقیق و علمی آن.

آخرین و معتبرترین دایرهٔ‌المعارف برای این گروه سنی، فرهنگنامه کودکان و نوجوانان است که از سوی شورای کتاب کودک و به سرپرستی توران میرهادی نشر یافته است. تدوین این اثر از سال ۱۳۵۸ با توجه به نیاز، هدف و ویژگی‌هایی که برای آن در نظر گرفته شده، با کار شش نفر کارمند آغاز گردید و اکنون دارای سازمان گسترش و فعالی است که با سرمایه‌گذاری شرکتی متشکل از گروهی ناشر و کتاب‌دوست به کار خود ادامه می‌دهد. جلد اول این دایره‌المعارف در سال ۱۳۷۱ منتشر گردید و انتشار مجلدات آن ادامه دارد.

برگرفته از: دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، ج۱

بهترین مجله عصور اسلامی است چرا که بزرگترین علمای همه مذاهب اسلامی در آن قلم می‌زدند، این مرکز با پشتکار علامه شیخ محمد تقی قمی و همیاری علمای الازهر خدمات فراوانی را در راستای تقریب مذاهب اسلام تقدیم نمود و سال‌ها کار خود را ادامه داد تا اینکه به دلایل سیاسی از میان رفت که در سال‌های اخیر برخی فعالیت‌های خود را از سر گرفته است.

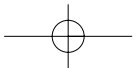
نقش سیاسی الازهر

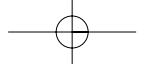
نقش سیاسی الازهر تا قبل از آغاز دهه هشتاد میلادی انکارناپذیر است.

به زعم مورخان، الازهر و علمای آن نقش مهمی را در مبارزه و مطالبه حقوق مردم مصر از حاکمان سلسله آسیایی ممالیک برجی در مصر داشتند. الازهر در زمان استعمار فرانسه و هجوم ناپلئون به مصر در خط مقدم مبارزه بود. بناپارت برای انتقام، الازهر را به توپ بست. همچنین نقش انکارناپذیر دانشجویان الازهر در مبارزه با استعمار فرانسه در تاریخ با قتل کلیبر معاون ناپلئون توسط سلیمان الجلی دانشجوی الازهر ماندگار گردید.

این نقش سیاسی در دوران مقاومت مردم مصر بر ضد استعمارگران انگلیسی و انقلاب ۱۹۱۹ و انقلاب جمال عبدالناصر در سال ۱۹۵۲ نیز نمایان بود. همچنین که عبدالناصر سخنرانی مشهور خود بر ضد انگلستان و امریکا و فرانسه را در جنگ ۱۹۵۶از منبر الازهر انجام داد.

شیوخ الازهر در تاریخ سیاسی مصر نقش مهمی را ایفا می‌نمودند و فتواهای سیاسی آنان بسیاری از مجاری امور در مصر را تغییر دادند یکی از مهمترین فتاوی الازهر حکم جهادی بود که علمای الازهر مصر در سال ۱۹۴۷ در مورد قضیه فلسطین و اشغالگران صهیونیستی دادند. همچنین اینکه بسیاری از گروه‌های جهادی و اسلامگرا از بطن الازهر به جامعه وارد گشتند.اما بعد از سرکار آمدن عبدالناصر وی تلاش‌هایی را برای کم کردن نقش الازهر آغاز نمود و به موجب قانون انتخاب رئیس (شیخ) و قائم مقام الازهر را برعهده رئیس جمهور گذارد. وی همچنین با تعیین وزیر شئون الازهر شیخ آن را ضعیف نمود و تمام اموال اوقاف الازهر را به نفع دولت مصادره کرد و شیخ الازهر را تبدیل به یک کارمند دولتی نمود. از این زمان بود که نقش سیاسی الازهر به طور کامل به سمت افول رفت. متأسفانه در سال‌های بعد شاهد بودیم شیوخ الازهر با تأیید اعمال اشتباه دولت مصر از جمله معاهده صلح با رژیم صهیونیستی بیش از پیش نقش این نماد علمی با آن سابقه مبارزه را به سرایشیی سقوط سوق دادند. امروز الازهر دیگر آن نقش مهم را در قضایای مربوط به جهان اسلام ندارد.





گفت و گو با دکتر حسن حنفی:

### بازسازی سنت به روایت چپ اسلامی

**برای آینده بهتر، جهان اسلام چگونه باید از گذشته عبرت آموزی کند؟**

ما باید از گذشته علوم هم چون ریاضیات، فیزیک، شیمی، طب، داروشناسی، معدن شناسی، گیاه شناسی و... را فرا بگیریم، همچنین اهمیت تعقل و استدلال و ناسیونالیسم را بیاموزیم. باید از اصول فقه، ایده های عدالت عمومی را یاد بگیریم. باید از ابن خلدون تاریخ بیاموزیم. آنچه در حال حاضر کم داریم می توانیم از گذشته یاد بگیریم. باید بدانیم چرا در گذشته آنها پیروز بوده اند و ما نه، اما نباید به گذشته برگردیم و حال را فراموش کنیم.

**دکتر حنفی! به عقیده شما موانع آزاداندیشی**

**دینی در جهان اسلام چیست؟**

موانع زیادی هست. اول، سنت گرایی، محافظه کاری و تقلید از گذشته که جلوی حرکت ما را می گیرد. دوم تقلید از غرب و جذب غرب است. ما باید بدانیم که غرب یک تجربه جهان است، نه همه تجربه جهان. سوم این است که با واقعیت ها برخورد نمی کنیم بلکه با ایده ها و ایدئولوژی ها سروکار داریم. ما واقعیت آزادی، عدالت اجتماعی و اتحاد را در نظر نمی گیریم و هنوز خود را پشت کتاب ها و تئوری هایمان پنهان می کنیم و شاید چهارم این باشد؛ رژیم های سیاسی. چرا که بیشتر آنها تمامیت خواه و انحصارگرا هستند. موانع دیگری مثل بعضی عادت ها و رفتارها، ترس، کمبود اعتماد به نفس و... نیز وجود دارند که جلوی حرکت اسلام برای پیشرفت را می گیرند.

**اصلاح طلبی چگونه می تواند تولدی دیگر**

**برای جهان اسلام باشد؟**

اصلاحات در جهان اسلام با سید جمال شروع شد. اسلام ضداشغالگری از خارج و ستمگری در داخل است. اما بعد از شکست انقلاب در مصر و شاید با اشغال و کودتاهای نظامی و شروع پادشاهی اصلاحات سیدجمال کم توان و بی رمق شد و این حرکت از سید جمال به عبده، سپس به رشید رضا و بعد به حسن البناء و سرانجام به سیدقطب - پس از دوران زندان وی - رسید.

به هر حال ما به نوع جدیدی از اصلاحات نیاز داریم. اصلاحاتی با شجاعت بیشتر و دور از تصوف. چرا که اصلاحات، به نیمه راه رسیده و ما

می خواهیم اصلاحات خود را به روش اساسی تر ادامه دهیم. اصلاحاتی با استدلال، عدالت عمومی، حقوق بشر، جامعه مدنی، تساوی و فهم بیشتر و همچنین اصلاحاتی متعدد در قبال مبارزاتی که در فلسطین، عراق، چین و افغانستان در حال وقوع است. ما با اصلاحاتی با ایده های جدید نیاز داریم.

**آیا شما از متفکران و نواندیشان دینی ایران**

**کسی را می شناسید؟**

بله! علی شریعتی برای من متفکر بزرگی است. او کسی است که می خواست در سنت تغییرات اساسی ایجاد کند.

او بسیار ترقی خواه و انقلابی بود. شاید در اینجا - ایران - خیلی او را دوست نداشته باشند اما من او را بسیار دوست دارم. من بعضی از نوشته های انقلابی آیت الله امام خمینی و مطهری را دوست دارم. اما هنوز برای من علی شریعتی بزرگ ترین متفکر ایرانی است که سعی می کرد سنت و مدرنیته را با هم ترکیب کند. او دین را به انقلاب متصل می کرد و در گفت و گو با لیبرال ها؛ مارکسیست ها و سکولارها شجاعت بسیاری داشت.

زمان حاضر، دفاع از آزادی شهروندان، عدالت اجتماعی و وحدت در جهان. شناختن این مسائل است که ما را تهدید می کند. دفاع از هویت مان و قرار گرفتن در مسیر شناخت و کسب پیشرفت برای اینکه به غرب وابسته نباشیم. ما به یک بسیج همگانی - مثل ایران در زمان انقلاب - نیاز داریم. بنابراین، این موارد یک برنامه است. ما می توانیم پولرایسم را در آگاهی یافتن از تفکرات لیبرالیستی، مارکسیستی، اصلاح طلبی، محافظه کاری و... بپذیریم. توجه کنید که در اینجا چارچوب کاری آنها مهم نیست. حتی چارچوب سیاسی آنها هم مهم نیست. نکته حائز اهمیت اجرای این برنامه سیاسی - اجتماعی در واقعیت است و همچنین از میان برداشتن مرزهای حکومت های اسلامی و تبادل دانشجو است و در دانشگاه ها ما با آزادیخواه کردن رژیم سیاسی، با دادن آزادی به شهروندان، با مشروع و قانونی کردن حزب های اسلامی، سیاسی - برای اینکه به صورت زیرزمینی کار نکنند - وارد گفت و گو شدن با گرایش های دیگر و با تبدیل شعارها به برنامه های واقعی اجتماعی - سیاسی است که می توانیم به اسلام کمک کنیم.

**در این میان بنیادگرایی چه نقشی خواهد**

**داشت؟**

سؤال بسیار خوبی است. ببینید ما در عمل نسبت به این برنامه ها که اشاره شد تا چه اندازه موفق بوده ایم؟ به سرانجام نرساندن و عدم برنامه ریزی برای این موارد مهم باعث شد "بنیادگرایی اسلامی" رشد یابد و برای این منظور از ابزارهای خویش استفاده کند. بنیادگرایی اسلامی، همان طور که می دانید تنها ایدئولوژی فعال است که هنوز در فلسطین، عراق، افغانستان، کشمیر و چین در مبارزه است. بنابراین ممکن است غرب نگاه منفی ای به این پدیده داشته باشد - که دارد - اما این مسأله عنصر مثبتی در فرضیه و فلسفه عملی خود دارد، اگر چه سرچشمه آن از سیاست تاریخی محافظه کاری است.

با شناخت این پدیده ما باید بر اصول آزادیخواهی و سیاست درهای باز توجه بیشتری کنیم تا بتوانیم با ایدئولوژیست های سیاسی وارد گفت و گو شویم.

**حال این سؤال پیش می آید که جهان اسلام**

**در رویارویی با غرب و آمریکا چگونه باید عمل کند؟**

ما هیچ گاه مخالف یا ضد هیچ فرهنگ خارجی و سیاسی ای نیستیم. ما باید "مدل" را تغییر دهیم. به جای اینکه غرب را یک منبع آگاهی و دانش در نظر بگیریم، می توانیم آن را یک موضوع مطالعه تلقی کنیم، همان طور که در موارد دیگر این کار را کرده ایم. در این صورت، غرب می تواند یک موضوع علم و دانش باشد نه یک مدل برای تمام فرهنگ ها. ما باید از غرب گرایی رها شویم، چراکه غرب گرایی یک واکنش بنیادگرایانه در پی خواهد داشت. بنیادگرایی و غرب گرایی، کنش و واکنش هستند. ما فرهنگ باشکوه خود را داریم و کاری به غرب نداریم. غرب در حال حاضر یک مدل است که در مدرنیسم تجلی یافته است. بسیاری از فیلسوفان از تنزل غرب صحبت کرده اند (منظورم بحران در علوم اجتماعی و... است). ما در دنیای خود به دنبال جنبش های اسلامی، اصلاحات اسلامی و نوسازی هستیم و بنابراین نباید از غرب بترسیم. ما باید غرب را خیلی خوب بشناسیم و موضوعی از علوم قرار دهیم اما بدون درگیری و مجادله با آن. همان طور که من سعی دارم این کار را در روش پیروی از فرهنگ و تمدن غرب انجام دهم.

این دو، اصلاح طلبی، احیاءگرایی و نوسازی است که آموزه های سنتی را می گیرد و در تفاسیر جدید و منطبق با چالش های مدرن عرضه می کند. بنابراین مدرنیته، اصلاح طلبی و احیاءگرایی، جزو مفاهیمی است که در بطن سکولاریسم اسلامی نهفته است.

**تجربه سکولاریسم در اسلام و غرب چگونه بوده است؟**

در تجربه غرب، سکولاریسم ضد دین بود. آنها سعی می کردند دین را به دنیا متصل کنند و این کار غیرممکن بود، چرا که نمی توانستند از یک طرف کلیسا و از طرف دیگر استدلال و تعقل را با هم داشته باشند، از این روش کافی بین قدیم و جدید ایجاد کردند؛ بین دین و سکولاریسم. من این حرکت را یک مدل ادامه نیاافتنی می نامم. یعنی اینکه شما می توانید از سنت های خود به مدرنیته بروید. در چین و کره مدلی ساخته اند تحت عنوان قدیم در کنار جدید؛ قدیم برای زندگی خصوصی و جدید برای زندگی در اجتماع و زندگی عمومی. اما در جهان اسلام، مدرنیسم از سنت می آید؛ ضد آن نیست و قرن ها است که مجتهد برای مدرنیزه کردن سنت تلاش می کند.

اسلام برای زندگی، برای مردم و برای آگاهی است. بنابراین تجربه غرب متفاوت از تجربه اسلامی است. در تجربه غربی سکولاریسم ضد دین است اما در اسلام، اینگونه نیست.

**کدام رفتارها سبب تقویت سکولاریسم در**

**بخشی از جهان اسلامی می شود؟**

اولین عامل، تغییر سیستم آموزشی در مدارس بر مبنای استدلال، آزادی و نه بر مبنای اطاعت و توجیه رژیم سیاسی و نیز تغییر در رویه رسانه های گروهی نظیر رادیو و تلویزیون است که تحت نفوذ حاکمان سیاسی است. آنها نظام آموزشی، رسانه ها و... را وابسته به حکومت می کنند و این کار را دشوارتر می کند. بنابراین تنها NGOها باقی می مانند که می توانند تأثیرگذار باشند.

محافظه کاران علاقه ای به سکولاریسم ندارند، چراکه فرآیند عرفی شدن ممکن است اقتدار آنها (حکومت ها) بر رسانه ها و نظام آموزشی را تضعیف کند.

**متفکران اسلامی و نواندیشان دینی را به چند**

**دسته می توان تقسیم کرد؟**

ما سه نوع متفکر دینی داریم؛ گروه اول، کسانی هستند که فکر می کنند غرب یک مدل است. آنها به جای پیروی از سنت ها، از غرب پیروی و تقلید می کنند. البته این گروه در اقلیت هستند. گروه دوم، محافظه کاران هستند. آنها از سنت ها پیروی و ارزش های غربی را رد می کنند. از نگاه آنها حفظ سنت ها نوع خاصی از حفظ هویت است. گروه سوم، سعی می کنند نوگرا و نوین کننده باشند. یعنی از سنت به مدرنیته می روند و گاهی این حرکت را از طریق گلچین کردن انجام می دهند، یعنی گزینش بخشی از اندیشه غرب که شبیه سنت های قدیمی است. البته این روش هم فایده ای نداشته است. ما به یک راه حال چهارم نیاز داریم که سنت را در جای خود داشته باشیم نه اینکه بخشی از آنکه شبیه به غرب است انتخاب کنیم. باید سنت را به طور کامل با توجه به چالش های جدید شکل دهیم. به کسی نیاز داریم که سنت های غرب را برگرد و تاریخچه آن را مطالعه کند اما نه برای تفسیر کردن بلکه برای به شکل یک دانش (آگاهی - بصیرت) درآوردن و آن گاه عرضه کردن آن.

**جهان اسلام برای قوت بخشیدن به نقاط ضعف**

**خود و اصلاح آنها به چه مسائلی باید توجه کند؟**

پولرایسم، گفت و گو میان مکتب های مختلف، ایجاد یک برنامه ملی برای فهم چالش های

دکتر حسن حنفی، نواندیش دینی مصری و استاد فلسفه دانشگاه قاهره، از ششم تا هشتم اردیبهشت ماه برای حضور در همایش "حکمت مطهر" به ایران آمد. وی همچون شاگردش، نصر حامد ابوزید، در فضاهای فکری - دینی و در میان اندیشمندان همواره محل توجه و التفات بوده است. حنفی خود را یک اصلاح طلب، نماینده جناح چپ اسلامی و در این راستا قابل مقایسه با شریعتی معرفی می کند. گفت و گوی حاضر، حاصل ملاقات کوتاهی است که در حاشیه همایش مزبور دست داد.

**ارزیابی شما از روند سکولاریزاسیون در**

**برخی کشورهای اسلامی چیست؟**

ابتدا باید دقیقاً معنای سکولاریسم را بدانیم. این مفهوم در غرب به معنای جدایی اختیارات سیاسی از اختیارات دینی است. سکولاریسم در لغت، نسبت نزدیکی با مفهوم زمان و نوشدن دارد و همین دلالت لغوی است که در فلسفه و اجتهاد، به کار متفکران می آید، چنانچه مجتهد می تواند سنت های اسلامی را نوین کند تا از عهده چالش های عصر مدرن برآید. اما اگر سکولاریسم به معنای استدلال، تعقل، حقوق بشر، دموکراسی، آزادی، آگاهی (دانش) و جامعه مدنی باشد، می توان با آن موافق بود زیرا شریعت در اسلام بر مبنای مقاصدی چون احترام به زندگی بشری، اخلاقیات، شأن بشر و عدالت بنا شده است. اسلام برای جهان است، یک دین دنیایی است و از این رو امکان سازگاری آن با عرفی شدن وجود دارد.

**آیا همه کشورهای مسلمان به یک میزان در**

**روند عرفی شدن اسلام دخیل هستند؟**

خیر! در جهان اسلام دو دسته یا گروه هستند، یک دسته محافظه کار و سنت گرا که فکر می کنند سکولاریسم داعیه جدایی دین از زندگی را دارد و ضد دین است و دسته دیگر ترقی خواهان که فکر می کنند فاصله بین اسلام و عرفی شدن خیلی زیاد نیست. در جهان اسلام شما با دو مکتب فکری مواجه هستید که محافظه کاران و سنت گرایان آن را از گذشته خود به ارث برده اند و مکتب آنها شجاعت و قابلیت کافی برای مبارزه با چالش های مدرن را ندارد. ما مسلمانان، امروزه به استدلال، حقوق بشر، جامعه مدنی و... نیاز داریم. دین اسلام جدا از زندگی نیست و دامنه آن زندگی دینی و زندگی سیاسی را همزمان دربر می گیرد. دفاع از حقوق و برقراری عدالت در میان عموم مردم، امر مذمومی نیست ولو آنکه نام آن، عرفی سازی باشد.

**تعاریف مختلف سکولاریسم، چقدر به**

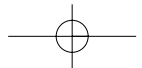
**معنای اصلی این واژه نزدیک است؟**

بعضی سکولاریسم را به معنای تعقل و استدلال فرض می کنند، برخی دیگر هم آن را به معنای شک گرایی، بدبینی و نسبیست گرایی می دانند که به هیچ ارزشی پایبند نیست. اما من معتقدم سکولاریسم بر مبنای اصول اخلاقی جهانی و در احترام به شریعت مقدس است و من فکر می کنم میان آن اصول جهانی و شریعت مقدس الزاماً تنافری نیست.

**از دیدگاه شریعت اسلامی، سکولاریسم تا**

**چه اندازه موجه است؟**

سکولاریسم روی هم رفته با شریعت اسلامی قابل کنترل است. هر اصلی از ارزش های سکولار که با شریعت اسلامی در تضاد باشد، پذیرفته نخواهد شد. شریعت اسلامی میزانی است که با آن می توانیم حاصل نتیجه سکولاریسم را کنترل کنیم و نظر به اینکه سکولاریسم دقیقاً برخلاف و متضاد با سنت گرایی یا محافظه کاری است، راه میانه بین



مرکز الحرمین فاش کرد:

## نقش پشت پرده عربستان در جنگ افروزی در منطقه

باید در صحنه سیاسی فلسطینی آرامش برقرار شود و نفوذ ایران بی اثر شود سپس یک چتر هسته‌ای ضد موشک‌های ایرانی گسترده شود و طرحی که کلینتون در ژانویه گذشته از آن پرده برداشت که عربستان و کشورهای دیگر حوزه خلیج فارس باید هزینه آن را بپردازند تا به مرحله دوم برسند و آن هم حداقل انجام حمله هوایی به ایران.

در سطح فلسطین: طرح صلح (عربی سعودی)، یعنی صلح و عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی مقابل عقب نشینی از سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷ امروز دیگر مطرح نیست، بلکه هدف متوقف کردن شهرک سازی حتما برای یک سال در کرانه باختری از سوی صهیونیست‌ها مسئله‌ای که با مخالفت نتانیاهو مواجه شد. وی گفته بود که آماده است به طور مقطعی و برای ۶ ماه آن را متوقف کند. در مقابل عربستان فضای خود را در اختیار هواپیماهای اسرائیلی قرار داده تا در مسیر عادی سازی روابط خود با اسرائیل قرار گیرد همانطوری که اردن و مصر چنین کردند.

عنقاوی گفت: اوپاما و کنگره و نماینده آنها جورج میشل، از کشورهای عربی می‌خواهند تا در ابتدا به اصطلاح بهای صلح را بپردازند و در این رابطه اوپاما نامه‌ای با دستخط خود برای ملک عبدالله در خصوص تشویق وی برای اجرای مطالبات اسرائیل در مقابل توقف شهرک سازی نوشت. در حالی که ۲۰۰ عضو کنگره تفاهمنامه‌ای را با عربستان در خصوص عادی سازی روابط خود با اسرائیل امضاء کردند، می‌گویند که پادشاه عربستان دیکته‌های [تحمیلی] آمریکا را نپذیرفته و میشل می‌گوید: سعودی‌ها و کشورهای دیگر عربی از درخواست آمریکا استقبال کرده و پذیرش آنها بسیار خوب بوده است.

عنقاوی تصریح کرد: مهم این است که عربستان می‌خواهد از پرونده فلسطین به هر شکل ممکن رهایی یابد، زیرا این پرونده برای این کشور باری سنگینی شده و می‌خواهد به هر بهای ارزانی آن را بفرشد.

وی افزود: عربستان در صدد پرداختن به وضعیت ایران وسیعی در انشفاق داخلی و مشغول کردن ایران به مشکلات داخلی اش است موضوعی رهبران دینی و وهابی در چت‌ها و سایت‌های اینترنتی خود به آن توصیه می‌کنند.

این نویسنده گفت: روزنامه‌های عربستانی این روزها از درگیری میان (العربیه) و (العالم) سخن می‌گویند و نظرات کاربران در انترنت هم امیدوار کننده است که حقایقی هم از عربستان در بحبوحه این تنش سیاسی میان این دو کشور بر ملا شود.

وی در پایان گفت: ملاحظه می‌شود که بیشتر تحلیلگران می‌گویند که (العربیه/عربستان) خود آغازگر هجوم علیه ایران بوده است. شاید مصطفی العانی پژوهشگر بعضی بارز که از سوی عربستان حمایت می‌شود و مرکز مطالعات رسانه‌ای اختصاصی برای حمایت از آل سعود را تأسیس کرده است تنها کسی است که در اظهاراتی به CNN گفته است: رسانه‌های ایرانی خود هجوم علیه عربستان را آغاز کرده و عربستان خود قربانی تروریست است نه صادر کننده آن.

عربستانی به ویژه العربیه فعالیت آنها را انعکاس و اقدامات آنها را پوشش خبری می‌دهد. همچنین عربستان برای گروه جدایی طلب اهواز در ریاض دفتری ایجاد کرده و از یک دفتر دیگر در قاهره هم حمایت مالی می‌کند.

وی افزود: چهارم: اقدامات تروریستی، بوسیله حمایت از سازمان مجاهدین خلق [گروهک تروریستی منافقین] که ده‌ها تن از رهبران ایران را به شهادت رسانده و صدام پایگاه‌های نظامی آنها را در اردوگاه اشرف حمایت می‌کرد. هم اکنون عربستان، مصر، اردن و بعضی از کشورهای اروپایی، آمریکا و اسرائیل، با کمک‌های سیاسی، معنوی و مالی خود از مجاهدین خلق [منافقین] حمایت می‌کنند. (حدود یک سال قبل این گروهک از لیست سازمان‌های تروریستی حذف شد که این اقدام ابتدا از سوی لندن صورت گرفت).

این نویسنده گفت: حمایت عربستان از سازمان مجاهدین خلق [منافقین] یعنی نقض تمام توافقاتنامه‌های امنیتی امضاء شده میان دو کشور (ایران و عربستان) و در ادامه تهران نیز قادر است که این توافقاتنامه‌های فیمابین و مقابله به مثل را کان‌لم یکن تلقی کند.

وی تصریح کرد: سعودی‌ها هر وقت که روابط شان با کشوری دچار تنش می‌شود، آن را به شهروندان خود منعکس می‌کنند، مشابه کاری که با ۲ میلیون یمنی در عربستان در آستانه اشغال کویت توسط عراق انجام دادند و آنها را بیرون کردند یمنی‌ها جز لباسی که بر تن داشتند با خود چیز دیگری نبردند و مایملک آنها مصادره شد. حادثه‌ای که در تاریخ معاصر عرب نظیری برای آن دیده نشده است.

عنقاوی تأکید کرد: هم اکنون سناریو بار دیگر تکرار می‌شود اما با حجاج و عمره گزاران ایرانی، تا جایی که با وجود اعتراضات وزارت خارجه ایران پیوسته آنها با سختی و مشکلات مواجه می‌شوند، حجاج ایرانی در این میان ضعیف‌ترین حلقه هستند که سعودی‌ها از طریق آن، خشم نهفته و بیمار خود را ارضا می‌کنند، همین وضع در مورد حجاج سوریه و فلسطینیانی که از غزه می‌آیند و در سال گذشته نیز از سفر حج باز ماندند، صدق می‌کند.

وی گفت: عربستان آماده بکارگیری تمامی گزینه‌های خود برای جنگ است، از حج گرفته تا پروژه‌های فاسدی که بندر بن سلطان و ترکی فیصل طراحی کرده‌اند اما اینکه نتیجه به مقابله نظامی منجر شود، امری دور از ذهن است اما محال نیست که عربستان با در اختیار گذاشتن سرزمین و حمایت مالی از آمریکا و اروپا به طرح یک هجوم علیه ایران بپیوندد، مشابه طرحی که برای صدام حسین به راه انداختند علی‌رغم درک سعودی‌ها از هزینه این کار و با وجود احتمال فرو افتادن موشک‌های ایران بر سکوه‌های نفتی سعودی.

عنقاوی گفت: سؤال اینجاست: قطب نمای سیاست خارجی عربستان به کجا اشاره می‌کند؟ دو موضوعی که به هم مرتبط هستند: بی‌اهمیت کردن موضوع فلسطین و حل و فصل آن در صورت امکان و به هر شکلی و متمرکز شدن روی موضوع ایران و مقابله با آن بوسیله ماشین جنگی اسرائیل یا آمریکا یا هر دوی آنها.

داشت. این نویسنده در مقاله خود تصریح کرد: آیا پادشاه عربستان (عبدلله) خطاب به هیئت وزارت کشور عراق متشکل از شیعه و سنی نگفت که کشورش ۵۰ میلیارد برای سقوط صدام اختصاص داده است و اگر شرایط مطلوب نباشد دو برابر این مبلغ را نیز برای سقوط (حکومت شیعه) در عراق اختصاص خواهد داد.

وی گفت: در خصوص رابطه با ایران، عربستان خیلی به این رابطه تمایل ندارد و به جای تفاهم به مقابله با ایران گرایش دارد یعنی ایجاد تنش به جای تنش زدایی که طی دهه اخیر شاهد روابط آن با تهران بوده ایم.

عنقاوی افزود: اما عربستان تاکنون جرأت قطع رابطه با تهران را نداشته است. همانطوری که پیداست این کشور همسو با تشدید موضعگیری کشورهای غربی علیه ایران، به شدت موضع خود افزوده است. چنانچه رسانه‌های سعودی در هجوم رسانه‌ای و تبلیغاتی علیه ایران گوی سبقت را ربوده‌اند و می‌بینیم شبکه العربیه از زمان انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری ایران تاکنون به چنین اقدامی دست زده است ولی این کشور به احتمال قویتر از طریق گسترش تنش با ایران ریسک نخواهد کرد مگر اینکه اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها شروع کنند آن باشند.

عنقاوی این پرسش را در مقاله خود مطرح کرد: علت ناراحتی عربستان از ایران چیست؟ نفوذ عربستان در منطقه به علت رقابت کم شده است و سعودی‌ها از یک رقابت سالم ناتوان هستند لذا بر چهار محور زیر حرکت خود را برقرار کردند.

وی افزود: نخست حرکت رسانه‌ای، عربستان mbc فارسی، رادیو به زبان فارسی و العربیه نت فارسی را راه اندازی کرده، شبکه العربیه، روزنامه الشرق الاوسط و سایت ایلاف از سه سال حملات خود را علیه ایران برآه انداختند اما پس از انتخابات اخیر ایران، این روند تشدید شد.

این نویسنده گفت: رسانه‌های سعودی و مزدوران آنها در لبنان تبلیغ مستمر خود علیه ایران را با این فرض که ایران دشمن نخست عرب‌ها و حتی خطرناک‌تر از اسرائیل است، ادامه دادند.

وی تصریح کرد: دوم حرکت نظامی، تا جایی که عربستان و اسرائیل به بهانه اینکه ایران از پروژه هسته‌ای خود عقب نشینی نمی‌کند دولت اوپاما و اروپا را برای حمله نظامی به ایران تشویق می‌کنند. امیر بندر بن سلطان در دوران بوش و با توجه به آموخته‌هایش از پدر و عموهایش به آمریکا قول داده بود که در هر حمله‌ای علیه ایران با آنها همکاری کند.

این نویسنده تأکید کرد: این دو (عربستان و اسرائیل) شایعه ضعیف بودن ایران را ترویج می‌کنند و اینکه پس از چند حمله هوایی زمین گیر، دچار مشکلات و ضعف‌هایی خواهد شد و چه بسا به سقوط نظام حاکم منجر شود.

عنقاوی در این مقاله نوشت: سوم تجزیه داخلی ایران، طوری که عربستان از دو جنبش جدایی طلب در اهواز و بلوچستان حمایت کرده و سایت‌های رسانه‌ای برای آنها مهیا و شبکه‌های

پایگاه خبری مرکز الحرمین در مقاله خود به قلم ناصر عنقاوی نویسنده و تحلیلگر عرب نوشت: عربستان سعودی تاکنون با هیچ یک از همسایگان خود به طور مستقیم وارد جنگ نشده است اما به جنگ‌هایی از طریق دیگران و به صورت غیرمستقیم راه انداخته است.

عنقاوی افزود: بله در دهه هفتاد میلادی عربستان در نواحی خطوط مرزی با یمن جنوبی درگیر شد اما دیری نپایید که عربستان شکست خورد و در نهایت ناچار به عقب نشینی شد. این درگیری تعداد اندکی کشته بر جای گذاشت. البته در آغاز دهه ۹۰ با اختلاف بر سر قطعه زمین (الخنفس) بین عربستان و قطر درگیری به وجود آمد که دو کشته بر جای نهاد.

این نویسنده تأکید کرد: ظرفیت نظامی عربستان همین است. این کشور طی جنگ ۸ ساله صدام حسین علیه ایران با بعضی‌ها همکاری کرد، عربستان جنگ عراق علیه ایران را مغتنم شمرده و دور از چشم عراق اقدام به تشکیل شورای همکاری خلیج فارس کرد که با پایان جنگ، عراق همین کشورهایی (کویت و عربستان) که از او پشتیبانی کرده بودند، هدف تیرهای خود قرار داد. عنقاوی تصریح کرد: عربستان از طریق جریان وهابیت سیاسی از شبه نظامیان افغانی در جنگ افغانستان علیه اشغالگران شوروی سابق وارد عمل شد. این کشور با حمایت مالی خود در چندین جنگ دیگر، از نیکاراگوئه گرفته تا عراق شرکت داشت.

نویسنده این مقاله گفت: بعد از اشغال عراق توسط آمریکا، عربستان ضد آمریکا نبود بلکه با شیعیان عراق یعنی اکثریت جمعیت به این دلیل که شیعیان عامل نفوذ ایران در عراق هستند، در تقابل بود.

وی افزود: سعودی‌ها وارد جنگ نمی‌شوند مگر از راه بکارگیری دیگران با حمایت از فتح الاسلام یا از طریق جیره خواران و مزدوران اینجا و آنجا. حتی در جنگ داخلی یمن در سال ۱۹۹۴، در صف کمونیست‌ها برای برهم زدن وحدت این کشور ایستادند و با حمایت از دو خلبان جیره خوار اروپایی اقدام به بمباران یمن شمالی کرد تا اینکه آمریکایی‌ها با هشدار به عربستان آنها را متوقف کردند.

عنقاوی گفت: عربستان با استفاده از قبائلی که ساکن این کشور هستند و بر قبائل همجوار تأثیر می‌گذارند و از طریق حمایت مالی و راه‌های دیگر حتی از راه کودتاها برای ضربه زدن به دشمنان خود اقدام می‌کند (همانطوری که حدود ۵ سال پیش در سلطنت عمان و حدود دو سال قبل در سوریه با تکرار عملیات عبدالحمید السراج که در سال ۱۹۵۸ برای از بین بردن وحدت میان مصر و سوریه اتفاق افتاد).

وی افزود: اما در رویارویی مستقیم، عربستان ترسو تر از آن است که وارد معرکه شود شگفت‌انگیز اینکه در روند اشغال منطقه الخفجی توسط صدام در جنگ ۱۹۹۱ گارد ملی قطر نیروهای عراقی را به عقب راند و ارتش عربستان و گارد ملی آل سعود از صحنه درگیری پا به فرار گذاشتند. این بدان معناست که عربستان در جنگ‌های آینده جز از طریق حمایت مالی همه جانبه از طرفداران خود، حضور فیزیکی نخواهد

مصاحبه خبرگزاری کتاب با استاد خسروشاهی:

## کتاب اسناد سید جمال الدین اسدآبادی در وزارت خارجه ایران؛ ثمره ۲۵ سال تلاش و تحقیق

مقاله از شخصیت های برجسته جهان اسلام و در ۵۰۰ صفحه و بخش اول "حدیث روزگار" که گوشه هایی از خاطرات زندگی! است.. و تنظیم و تنقیح مجموعه آثار علامه طباطبائی در ۲۲ جلد که خوشبختانه ۱۵ جلد آن از سوی مؤسسه نشر کتاب بوستان در قم منتشر شده و بقیه زیر چاپ است و پس از این ها، نوبت مجموعه آثار استاد سید غلامرضا سعیدی است که انشاءالله در ده جلد منتشر خواهد شد...

کتاب دیگری هم دارم تحت عنوان: امام خمینی و جمال عبدالناصر" دارم که آن را در مدت اقامت در قاهره به زبان عربی نوشتم و منتشر گردید و اکنون یکی از برادران آن را به فارسی ترجمه کرده که من خود ویرایش نهایی و تطبیق با متن عربی را انجام دادم که انشاءالله در ۳۰۰ صفحه به زودی منتشر خواهد شد...

در این کتاب حقیقت رابطه امام خمینی با عبدالناصر! با اسناد خاص، بیان شده و اتهامات شاه و ساواک در این رابطه، به طور مستند پاسخ داده شده است...

جای این کتاب با توجه به اکاذیب و شایعات بی شمار در اسناد ساواک و نشریات مصری و عربی، خالی بود و من به عنوان یک "واجب عینی" به تألیف آن پرداخته و در مصر منتشر ساختم که اینک ترجمه فارسی آن آماده چاپ شده است.

**مجموعه آثار شما که تاکنون به چاپ رسیده است چند جلد است؟**  
**فهرست گونه توضیح دهید؟**

مجموعه آثار اینجانب اعم از تألیف و ترجمه، بالغ بر ۸۰ جلد است که اغلب آن ها بارها چاپ شده است. مثلاً امام علی صدای عدالت انسانی تألیف جرج جرداق و ترجمه اینجانب در ۵ جلد، بالغ بر ۳۰۰۰ صفحه ۱۲ بار تاکنون چاپ شده است و کتاب ترجمه عدالت اجتماعی در اسلام تألیف شهید سید قطب بیش از ۲۵ بار چاپ شده است و... اما کتاب هایی که با مقدمه، تحقیق، ویرایش و کوشش اینجانب تاکنون چاپ شده و یا زیر چاپ است و یا در مراحل نهایی آماده سازی است، بالغ بر ۱۲۰ جلد می باشد...

با تشکر از حوصله شما!

**الدین اسدآبادی را چه شخصی بررسی می کنید؟**

بررسی شخصیت سید، استنادیه این اسناد، یک بررسی ناقص خواهد بود.. و همین هم نیازمند فرصت دیگر و وقت بیشتری است...

**سیر تهیه چنین اثر پر حجم و زحمتی را بیان بفرمایید؟**

اشاره کردم که تهیه این اثر در طول بیست و پنج سال تحقیق یافته و محصول مدت کوتاهی نیست، چرا که جمع آوری و انتخاب اسناد از میان چند هزار سند، از اسناد قدیمی وزارت امور خارجه در دوره قاجار انجام گرفته که عمدتاً در صندوق های ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰ و کارتن های "اسناد مکمل" دوره قاجار به ویژه کارتن های: ۱، ۶، ۱۰، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۶۰ موجود بودند و در بایگانی وزارتی محفوظ است و این البته کار آسانی نبود و نیازمند علاقه، پشتکار و هدف مندی بود.

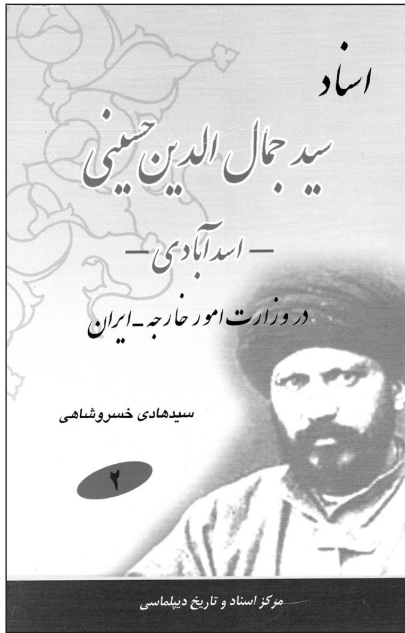
در کتاب مشخصات هر سند در بالای اسناد درج شده و همانطور که اشاره کردم، من این اسناد را بدون هیچ گونه شرح و تحلیل و تفسیر و استنتاج نقل کرده ام و بررسی، نقد، تحلیل و تبیین محتوا، نیازمند فرصت دیگری است...

**در بعضی از اسناد کلماتی در قالب پراکنش و گیومه آمده است. این کلمات توسط چه کسانی و بر چه مبنایی انتخاب شده اند؟**

اضافه برخی کلمات در داخل پراکنش یا گیومه، از اینجانب است که برای مفهوم شدن موضوع اضافه شده و برای تشخیص اینکه آن ها از متن، سند نیست، داخل پراکنش یا گیومه قرار گرفته است و این روشی است که در تحقیق کتاب های قدیمی و یا اسناد ویژه، به کار می رود.

**آیا می خواهید در این راستا گام دیگری بردارید؟ شخص بعدی کیست؟**  
اگر خداوند توفیق داد، من به فکر دیگر اسناد سید در کشورهای دیگر هستم و به دنبال آن ها هم -بویژه در ترکیه و مصر - رفته ام که متأسفانه مشکلات ویژه اداری آن دولت ها و بعضی ملاحظات سیاسی در قاهره، مانع از آن شد که به هم اسناد سید دست یابم ولی امیدوارم که روزی این آرزو تحقق یابد!

**اثری در دست نوشتن و زیر چاپ دارید؟**  
آثار زیادی از خودم و دیگران در دست نوشتن، تحقیق، جمع آوری و زیر چاپ دارم که نقل فهرست آن ها شاید مقدور نباشد.. ولی مهمترین آن ها: عبارتند از: چند کتاب درباره اخوان المسلمین (با اسناد و عکس های انحصاری)، مجموعه مقالات خودم درباره سید که در طول سالیان گذشته نوشته ام (کتابی در ۴۰۰ صفحه)، کتاب دیگری درباره سید، به عربی شامل ۲۵



اسناد سید در وزارت امور خارجه تاریخ نگاری نبود، بلکه می خواستم این اسناد باقیمانده، به دست فراموشی سپرده نشود و یا از بین نرود... و به همین دلیل آن ها را در طول ۲۵ سال، جمع آوری و ثبت کرده ام و متأسفانه این فرصت برای من پیش نیامده که با توجه به محتوای این اسناد، یک تحلیل تاریخی جامعی در این رابطه ارائه کنم.

جمع آوری و نشر اسناد به طور طبیعی یک کار علمی - تاریخی فراجانحی است و درباره جناح خاصی! در آن موضع گیری نشده است.. امید که اهالی تاریخ با ملاحظه آن اسناد، برداشت های منصفانه و محققانه خود را برای عموم عرضه کنند.

**آیا مطالعه این اسناد می تواند خواننده را به ابعاد مختلف شخصیت و زندگانی سید جمال آگاه و آشنا کند؟**

مطالعه این اسناد فقط می تواند گوشه ای از ابعاد گوناگون شخصیت سیاسی، علمی، مذهبی، اجتماعی و... سید را به خواننده نشان دهد.. چون همه اسناد مربوط به سید در این کتاب نیست و اسناد سید در انگلیس، روسیه، افغانستان، مصر، عراق، فرانسه، ترکیه و... بی تردید می تواند تکمیل کننده هدف شناخت شخصیت و اندیشه های سید باشد.

البته من سال ها پیش مجموعه اسناد سید را در سفری به انگلیس، از بایگانی وزارت امورخارجه انگلیس - لندن - تهیه کردم و سپس با ترجمه فارسی بخشی از آن ها، آن اسناد را تحت عنوان: "مجموعه کامل اسناد وزارت خارجه انگلیس درباره سید جمال الدین اسدآبادی" در ۴۵۰ صفحه در سال ۱۳۷۹ در تهران، منتشر ساختم...

و امیدوارم که بتوانیم اسناد سید در بلاد دیگر را هم که به اسامی آن ها اشاره کردم، روزی به دست آوریم و آن ها را هم منتشر سازیم.

**شما بر اساس این اثر، سید جمال**

الدین حسینی اسدآبادی در وزارت امور خارجه ایران "مجموع اسنادی است که من در ۲۵ سال گذشته توانسته ام به علت اشتغال در وزارت امورخارجه، از بایگانی اسناد پیدا کنم و خوشبختانه توسط "مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه" اخیراً منتشر گردیده است.

البته من تردید ندارم که اسناد مربوط به سید در وزارت خارجه، باید بیشتر از این می بود که بدست آمده است و متأسفانه بعضی از آن ها در دوره رژیم شاه، توسط تاریخ نویسان درباری مانند ابراهیم صفاتی به سرقت رفته و بعضی هم شاید در تحویل و تحول ها مفقود شده است؟!.. به ویژه که ما در بین اسناد موجود، پاسخ سید به ناصرالدین شاه یا امین السلطان و دیگران را می بینیم،

ولی اصل نامه های آنان پیدا نیست؟ باید دید آنها چه نوشته بوده اند که مورخان درباری نخواسته اند آن نامه ها انتشار یابند... همین اشکال در اسناد خانه امین الضرب هم که توسط جناب دکتر مهدوی و جناب ایرج افشار سال ها پیش توسط دانشگاه تهران منتشر شده است، وجود دارد... یعنی در میان این اسناد، باز پاسخ های سید به شاه یا امین السلطان و دیگران هست، اما از اصل و متن نامه هایی که به آن ها پاسخ داده شده است، خبری نیست؟ در حالیکه اگر سید نسخه ای از نامه های خود را نگه می داشت - که چنین بود - بی شک نامه های اصلی سردمداران قجری را هم نگه می داشته، اما چرا آن ها نیست؟!.. و البته من متأسفانه تاکنون پاسخی بر این موضوع نیافته ام... در اینجا به این نکته هم بد نیست اشاره کنم که هم اکنون در کاخ گلستان - باب همایون بیش از نیم میلیون اسناد، نامه ها، دستخط ها وجود دارد که در مخازن خاصی نگهداری می شود که متأسفانه هنوز شمارش آن ها به نیمه نرسیده است. یعنی کارشناسان کاخ موزه گلستان فقط توانسته اند تاکنون یکصد هزار سند را ثبت کنند و ظاهراً ادامه کار، سال ها طول خواهد کشید... و اگر این اسناد در اختیار محققان و مورخان معاصر قرار می گرفت، بی تردید می توانستیم از حقایق بسیاری درباره دوران قجری ها آگاه شویم...

در مخزن عکاس خانه کاخ گلستان هم به گفت مسئولین آن، حدود پنجاه هزار عکس تاریخی از دوران قاجار وجود دارد که بازبینی آن ها نیز می تواند شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی دو قرن گذشته ایران را روشن سازد...

**از آنجا که جمع آوری اسناد به نوعی تاریخ نگاری نیز محسوب می شود تا چه اندازه سعی کرده اید در این اثر فراجانحی و برای ثبت اصل تاریخ به این موضوع بپردازید؟**

هدف من از جمع آوری و ثبت

**به چه دلیل سید جمال را به عنوان سوژه انتخاب کردید و سراغ ایشان رفتید؟**

من از نیم قرن پیش، همیشه و در همه جا - و هر کشوری که رفته - به دنبال شناخت و شناسایی سید جمال الدین حسینی اسدآبادی بوده ام و یکی از نتایج این تلاش و کوشش پی گیر و خستگی ناپذیر، آماده سازی مجموعه آثار سید جمال الدین حسینی است که نخست در "قم" و در ۷ جلد و سپس تکمیل شده آن در "قاهره" و در ۹ جلد و ۳۵۰۰ صفحه منتشر گردید.

اما درباره اینکه چرا سید را برای این تحقیق و کاوش انتخاب کرده ام، ترجیح می دهم که نقل قولی از فرهیخته برجسته زمان و مورخ و پژوهشگر بی همتای دوران، مرحوم استاد سید محمد محیط طباطبائی، در رابطه با این موضوع داشته باشم.

استاد محیط در مقاله ای درباره سید، می نویسد:

"... من از میان همه چهره های درخشنده تاریخ ایران و اسلام، بخصوص کسانی که در راه استقرار حکومت ملی و سقوط استبداد مصر خدمات ارزنده بوده اند، چهره مظلوم سید جمال الدین اسدآبادی را برگزیده ام. در وجود او سرّی مکتوم بود که من حیث المجموع در وجود بسیاری از افراد یافت نمی شود... سید دریافت که اساس عقب افتادگی و شوربختی ممالک اسلامی در بی نصیبی ملت های مسلمان از آزادی و دانش است و این نقیصه را نتیجه اسلوب حکومت مستبدانه شناخت و دریافت مادامی که شکل زندگانی سیاسی در ممالک اسلامی تغییر نیابد و حکومت مشروطه جای حکومت استبدادی را نگیرد، نجات برای مسلمانان عموماً و ایرانی ها خصوصاً میسر نیست.. من چهره سید جمال الدین را برگزیده ام، زیرا عکس چهره او را در قانون اساسی و مطبوعات و فرهنگ جدید و همه تشکیلات اساسی حکومت مشروطه و وطن خود می نگرم و عقیده دارم خدمتی که او به ایران کرد از نظر ارزش بالاتر از خدمتی بوده که نادر وارد شیر و یعقوب لیث و شاه اسماعیل به تاریخ ایران کرده اند و در ردیف خدمت هوشنتره مادی و آرشاک پرتوی، محسوب می شود... این دیدگاه استاد محیط است و من نیز مانند او، و به همین دلیل چهره سید را برگزیده ام..."

من این مقاله استاد محیط طباطبائی را همراه چند ده مقاله دیگر وی درباره سید، در کتابی تحت عنوان: "نقش سید جمال الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین" منتشر ساخته ام که تاکنون چندین بار تجدید چاپ شده است...

**آیا این کتاب تمام اسناد مربوط به سید جمال را در بر می گیرد؟**

کتاب فعلی: اسناد سید جمال

## بعثت

نشریه مرکز بررسیهای اسلامی دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

سید هادی خسروشاهی

سر دبیر:

سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائیه) نشی ممتاز

تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

لیتوگرافی: سپهر اسکنر چاپ: سپهر